بسم الله الرحمن الرحیم

تیمناً بذکر من جری باسمه القلم

وتبرکاً باسم من جری بنعمته الرقم

[illegible]

لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم [illegible]

[illegible]

علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام [illegible]

[illegible] اول [illegible] دوم [illegible] سیم [illegible] چهارم [illegible] پنجم [illegible] ششم [illegible] هفتم [illegible] هشتم [illegible]

[illegible]

۳

یازدهم
ثم دولت وسلطنت خاندان آن دولت
بر خواقین صفویه حقت بالالاف الفلک بر حسب سکنه
نواهان صفویه حقت بالالاف ... مساحت روی زمین معموره و خرابه بر حسب سکنه و تر
بیست و چهار هزار فرسخ است می گویند از مشرق تا مغرب جنگ و تر معموره است
چاه و چهار هزار فرسخ و پنجاه و شش هزار فرسنگ است و دریاها و چهل و سه هزار فرسنگ و پریان و غولان
معموره و خرابه و از آن جمله چاه و چهل و شش هزار فرسنگ و دریاها و دیوان ولایات روم است
و معادن در آنجاها است و سه هزار فرسنگ ولایات هند و ترکستان است و شش هزار فرسنگ سقلاب است و دو هزار فرسنگ
و از این جمله دوازده هزار فرسنگ چین و ماچین است و چهار هزار فرسنگ روس است و دو هزار فرسنگ یونان است و زرد و سرخ و سیاه می شود و دوازده
و چهار هزار فرسنگ بلغار است و دوازده هزار فرسنگ حبشه و زنگبار و یمن است کوهها است که در آنجا معدن یاقوت است ... رسول الله صلی الله علیه و آله
و دو هزار فرسنگ ولایات اسلام است و دو هزار فرسنگ جابلقا و جابلسا است و ... کتاب التواریخ عمره شمار و حضرت آدم علیه السلام هزار سال عمر ... بود و از زمان آدم
که در او مردم فرو رانده و در سی صد و سی و دو هزار سال است که حضرت آدم علیه السلام گفته اند نهصد و سی سال زندگانی کرد و بعضی گفته اند پنجاه و بیست سال و بعضی ابو البشر آدم علیه السلام
هزار و سیصد و سی و دو هزار سال و گفته اند قصص حضرت آدم علیه السلام قصه حضرت و اولاد او مشهور است و بعضی گفته اند چهار هزار و سیصد سال است
چنین مذکور است که خاتم النبیین صلوات الله علیه ... بعضی گفته اند فاصح اقوال آنست که ... و بعضی و از جمله اولاد ایشان شیث پیغمبر علیه السلام
تا زمان پیغمبر بعضی از علما ... [illegible] ... بعضی گفته اند در کوه سراندیب است آدم علیه السلام
دو سال است و بعضی ... بطن اولاد بوجود آمد ... گفته اند و بعد از آن حضرت آدم علیه السلام یک سال در حیات بود
از حضرت حوا علیه السلام یکصد و بیست بطن ... است و حضرت شیث پیغمبر علیه السلام
بطن به بعد از آن حوا علیها السلام در کوه ابو قبیس است و بعضی گفته اند حضرت حوا علیها السلام را در پهلوی آدم علیه السلام مدفون ساخت
و بعضی گفته اند در مکه معظمه و در موضع قبر مبارک آدم علیه السلام و الله اعلم
او را دفن نمود و در برابر او دفن نمود بعد از آن در جمعه ایزدی پهلوی او نوح علیه السلام
زر این برای او بود و در نزد آدم علیه السلام
بعد از آن او را در نزد آدم علیه السلام
و در زمان طوفان نوح علیه السلام
ایشان را از مدفن بیرون آورده

کوه نجف اشرف ساکن است چنانکه مولانا فضولی علیه الرحمه
وقصیده حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام گفته شعر نوح انک صندوقنه کشتی
ملک آرامش پناه احتیاط ایدرکه تاکه بروجی طوفان اوله پناه بر آنکه در اخبار صحیحه وارد اولمشدر که حضرت آدم
صفی الله ونوح نجی الله ونبی وولی الله صلوات الله وسلامه علیهم
در یکجا آسوده اند والله اعلم
ودر ایام ارتحال حضرت آدم علیه السلم
بسوی سرای جاودانی اولادینک
حیلی اوزرینه ...



شاه کیومرث

در ولادت شاه کیومرث اختلاف نموده اند بعضی گفته اند پسر قینان است
و بعضی گفته اند که کیومرث همین حضرت آدم علیه السلم است و بعضی گفته اند
که نواده حضرت آدم است علیه السلم والله اعلم بالصواب

بهر تقدیر اینکه از پسران آدم علیه السلم است پوشیده
نیست و اوّل کسی که پادشاهت نمود کیومرث بود
و اوّل کسی که بجای بلندی بر آمده خطبه خوانده او بود و طریقه آداب
سلطنت و مملکت داری و فرمان فرمائی اوّلا از او بظهور رسید
و آداب و قانون حکومت و پادشاهی از او بعمل آمد و اصطخر فارس و دماوند
و بلخ را او بنا گذاشت و اکثر اوقات با جماعت دیوان محاربه نمودی و هوشنگ
نام پسری داشت در غایت زهد و ورع پیوسته در جبال و کوهساران
خدای عز و جلّ را عبادت می کرد و سجده عبودیت و بندگی بتقدیم
می رسانید روزی در اثنای سجده الهی بود که دیوها سنگی از کوه
جدا کرده بر سر او انداخته هلاک کردند ماری نام فرزندی که در کمال
فراست و عاقلی بود او را بجمله پسران خود سالار لشکر نمود او نیز در
جنگ دیوها وفات یافت و از وی سیامک نام پسری ماند که جدّ اعلای
پادشاهان این جهان است

والله اعلم

قینان

انوش

علیه السلم
شیث النبی

قینان نهصد و چهل سال عمر کرد
و نود و پنج سال خلافت
نمود

انوش هفتصد و پنجاه سال عمر کرد
و با جهد پدر بزرگوار خود وصی و
هشت سال خلافت
کرد

شیث پیغمبر علیه السلم نهصد و دوازده سال عمر کرد و خدای
عز و جل بر و تاج کرامت و خلعت نبوت ارزانی فرمود
و از آثار عدل و داد و شریعت خویش جهان را زیب و زینت داد
چون از عمر شریفش سیصد و پنجاه سال گذشت حضرت الهی
با و پسری عطا فرمود اسمش را انوش گذاشت و در آخر
عمر انوش را وصی و خلیفه خود نموده از این سرای عاریه
بسوی دار الخلد جاودانی رحلت نمود و انوش او را در نزد
پدر بزرگوار او مدفون ساخت والله اعلم بالصواب

قابیل ناقابیل

قابیل ناقابیل برادر خود را بکشت حضرت آدم علیه السلام بر او نفرین کرده
از نزد خود براند و او بولایت یمن رفته آتش پرستی اختیار کرد و اهل یمن
از نسل او یند و آتش پرستی از او ظاهر شد

[illegible]

طهمورث

هوشنگ

سیامک

[illegible]

طهمورث چهارصد سال عمر کرد و در این اختلاف بسیار کرده اند و بعضی گفته اند [illegible]

هوشنگ [illegible] پیدا کرد [illegible] و دیوان را [illegible]

مهلائیل

یرد

ادریس نبی علیه السلام

مهلائیل هشتصد و نود و پنج سال عمر گذرانید

مدت عمر یرد معلوم نیست اما آن قدر
اولادش شد که از احصا گذشت یکی
از آنها اخنوخ که ادریس پیغمبر است علیه السلام
اخنوخ بزبان عبرانی و ادریس بزبان
عربی است

ادریس علیه السلام سیصد و [illegible] سال عمر کرد بعد از آن به آسمان عروج نموده [illegible]

منوال

[illegible]

طورک

جمشید

جمشید را [illegible] مفصل و مباحثه را رسانید حاصل نوشت
مدت عمر [illegible] بنای عالم و او تمام مرتبه رسید و [illegible] بود و عالم بیابان احجار
سال است و [illegible] فرستادن و [illegible] از او و ظهور [illegible] و عنبر [illegible] و جمیع خلق را
او گذاشت و [illegible] شهرها [illegible] و زینتها از او اشکال دادند و جمیع [illegible] ار
و بار گرفتن و [illegible] آهنین و نقوش [illegible] و ترتیب [illegible] سپاهی و
آوردن و انواع رنگ کرد و اقسام [illegible] از برای او ترتیب و جمیع [illegible] علی بانیاده
زدن و آخر چون او [illegible] بود تا احکام [illegible] اهل صنایع عمارات [illegible] بسیار [illegible]
رسانید و [illegible] علما و جمیع [illegible] ودرا [illegible] اشغال [illegible] بوده [illegible]
او بسم [illegible] بود و جمیع [illegible] و عمارات [illegible] و جمیع [illegible] و اورا [illegible]
صنف [illegible] زیاده [illegible] کرده [illegible] و جمیع [illegible] وقتی [illegible] و آن [illegible] خلق العباد
زراعت [illegible] خلق [illegible] وعده‌های [illegible] ساخت [illegible] و جمیع [illegible] ازار و
اطراف و [illegible] و جمیع خلق [illegible] و اقسام [illegible] سعادت [illegible] بود و
[illegible] و [illegible] الامر [illegible] نمودند [illegible] شده [illegible]
و آخر [illegible] و [illegible] کرد [illegible] جمشید [illegible]
و [illegible]

ملک کرد

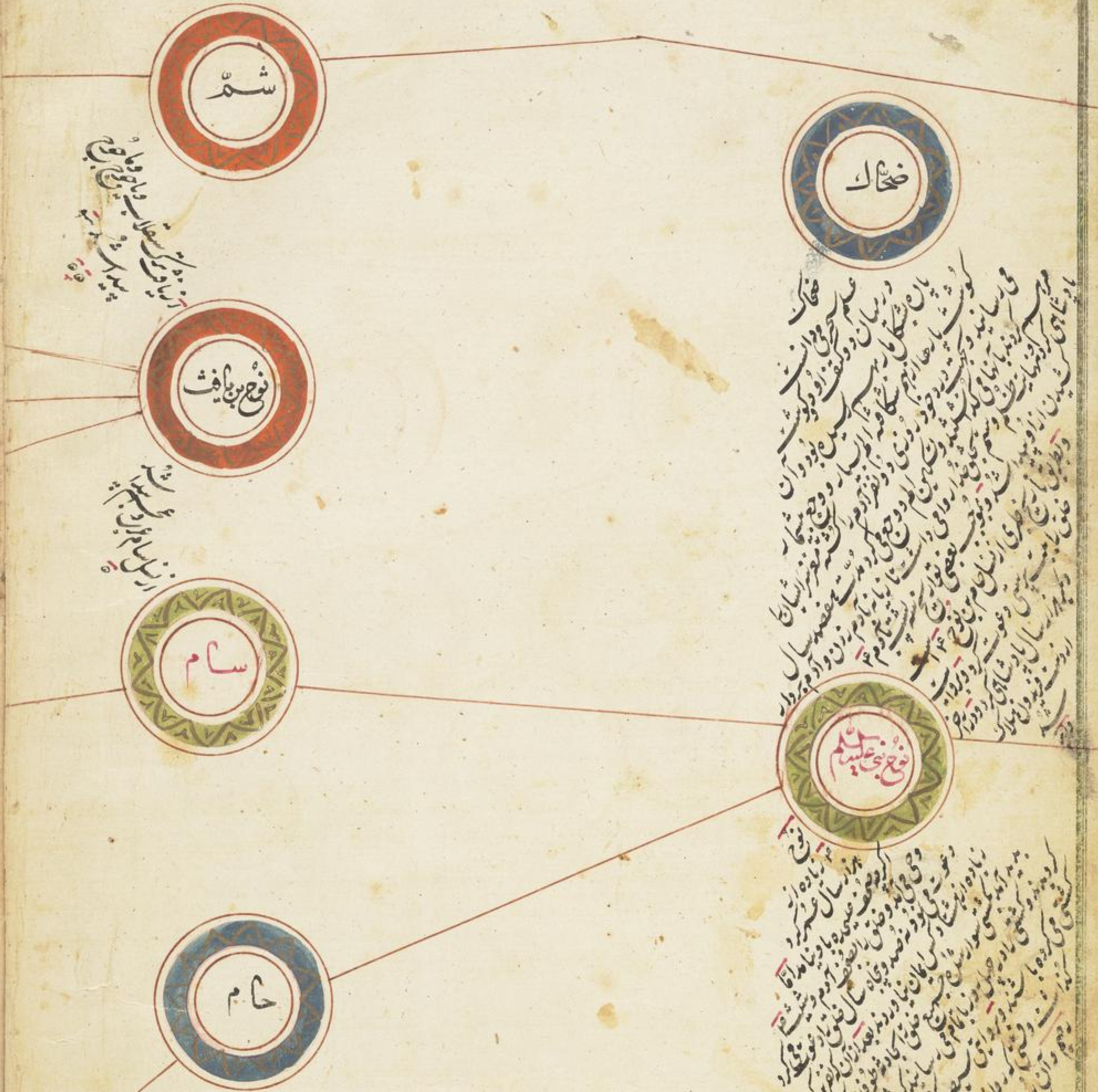
ملک کرد [illegible] سال عمر کرد
در رعیت [illegible] بود و [illegible]
زاینید و [illegible]
[illegible]

منوشلخ

منوشلخ نهصد و هشتاد سال
عمر کرد زاینید و اولاد [illegible]
گذشت [illegible] بعد از [illegible]
[illegible]

حلب لاب

قحطان



[illegible]

ضحاك

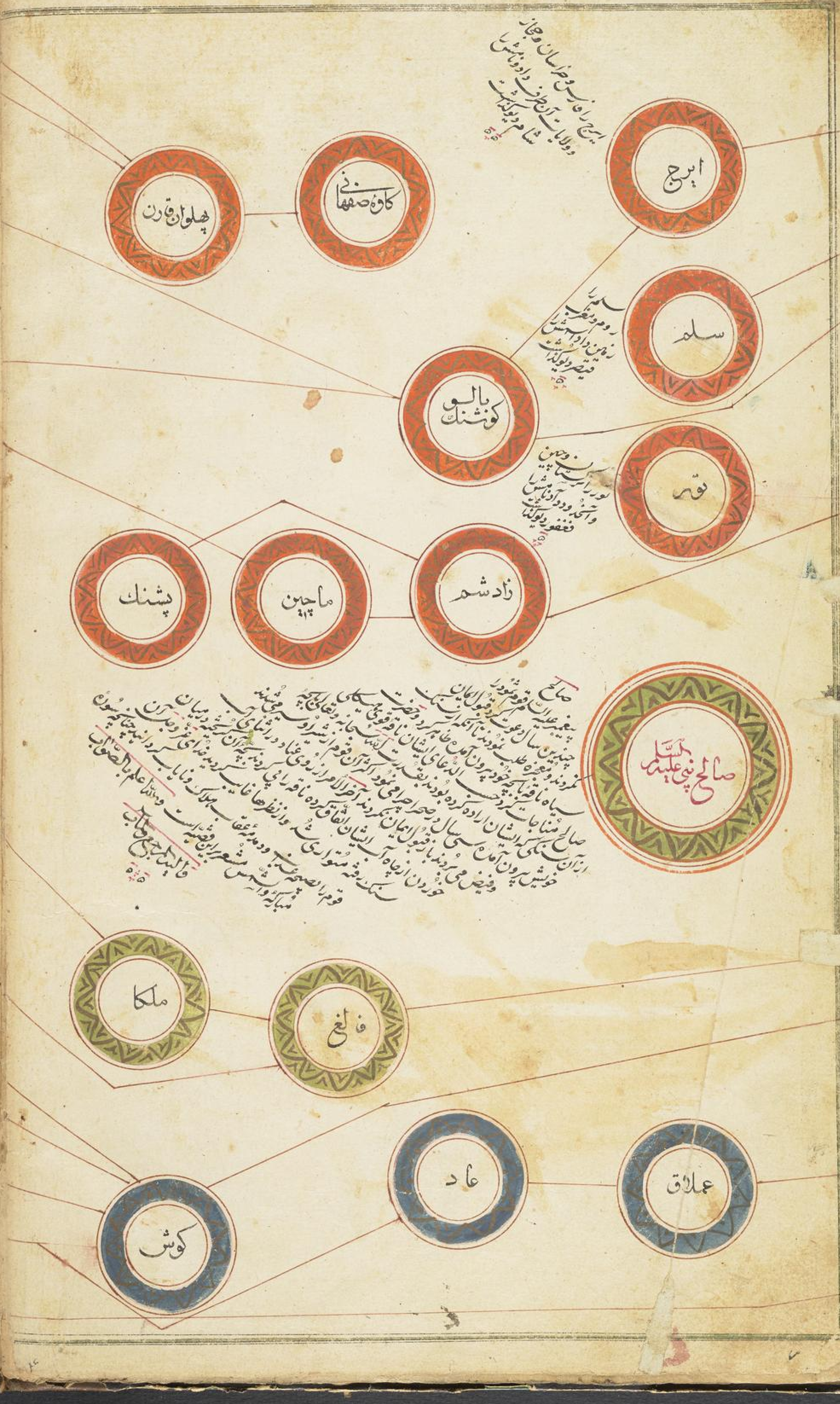
[illegible]

نوح

[illegible]



فریدون
ابو الحارث
یاجوج
ماجوج
ارفخشد
شالخ
هود نبی علیه السلام
هود عمر ... صد و پنجاه سال عمر کرد
در زمان قوم عاد بود هر چند ایشان را
دعوت کرد قبول ایمان نکردند
خدای عز و جل باد را ...
حارث
حرث
ثمود
ارم
عاد
عملاقی

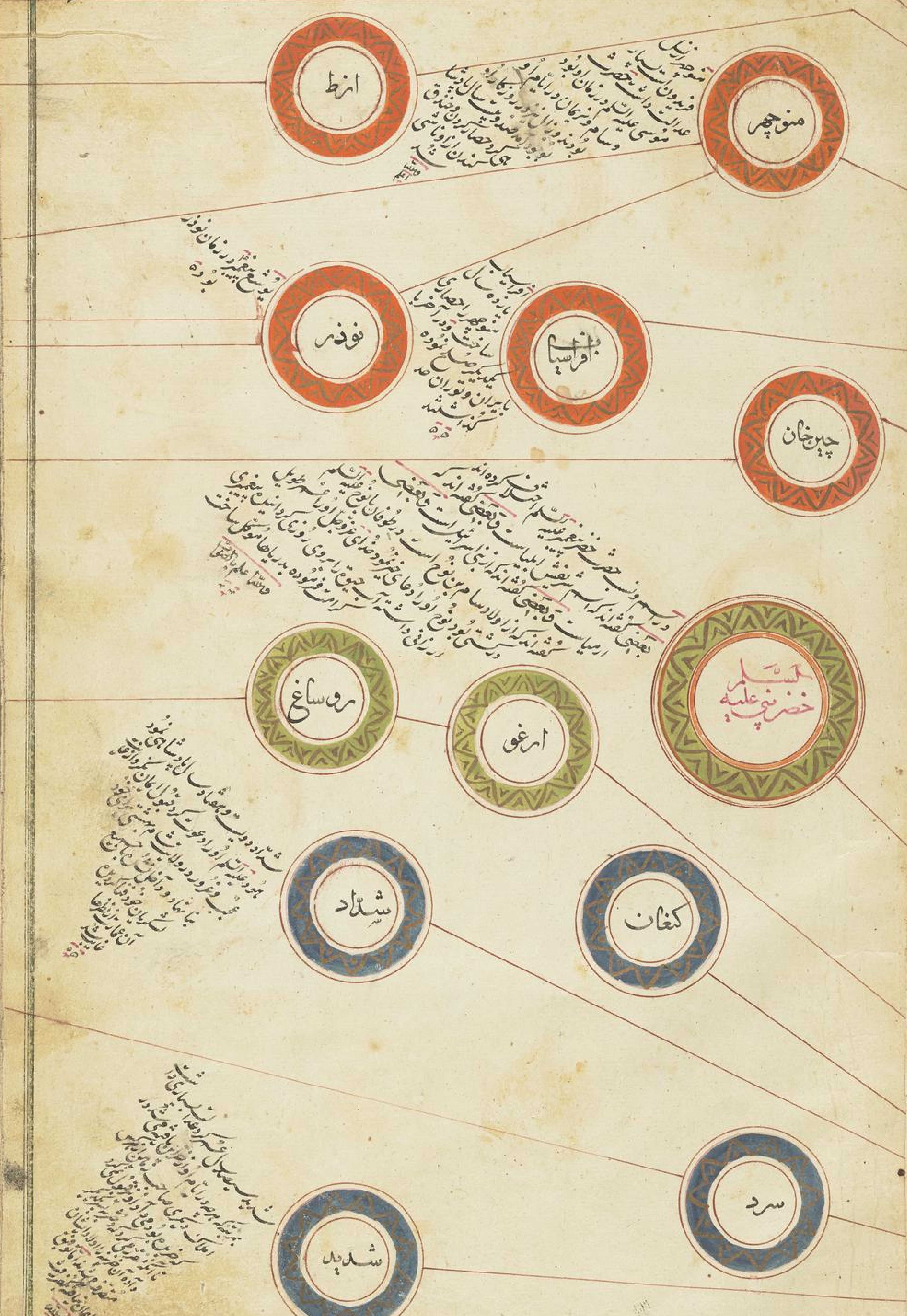


ایرج را ایران زمین و خراسان و حجاز
و ولایت آن طرف داده بادشاه
شام و بولکداث

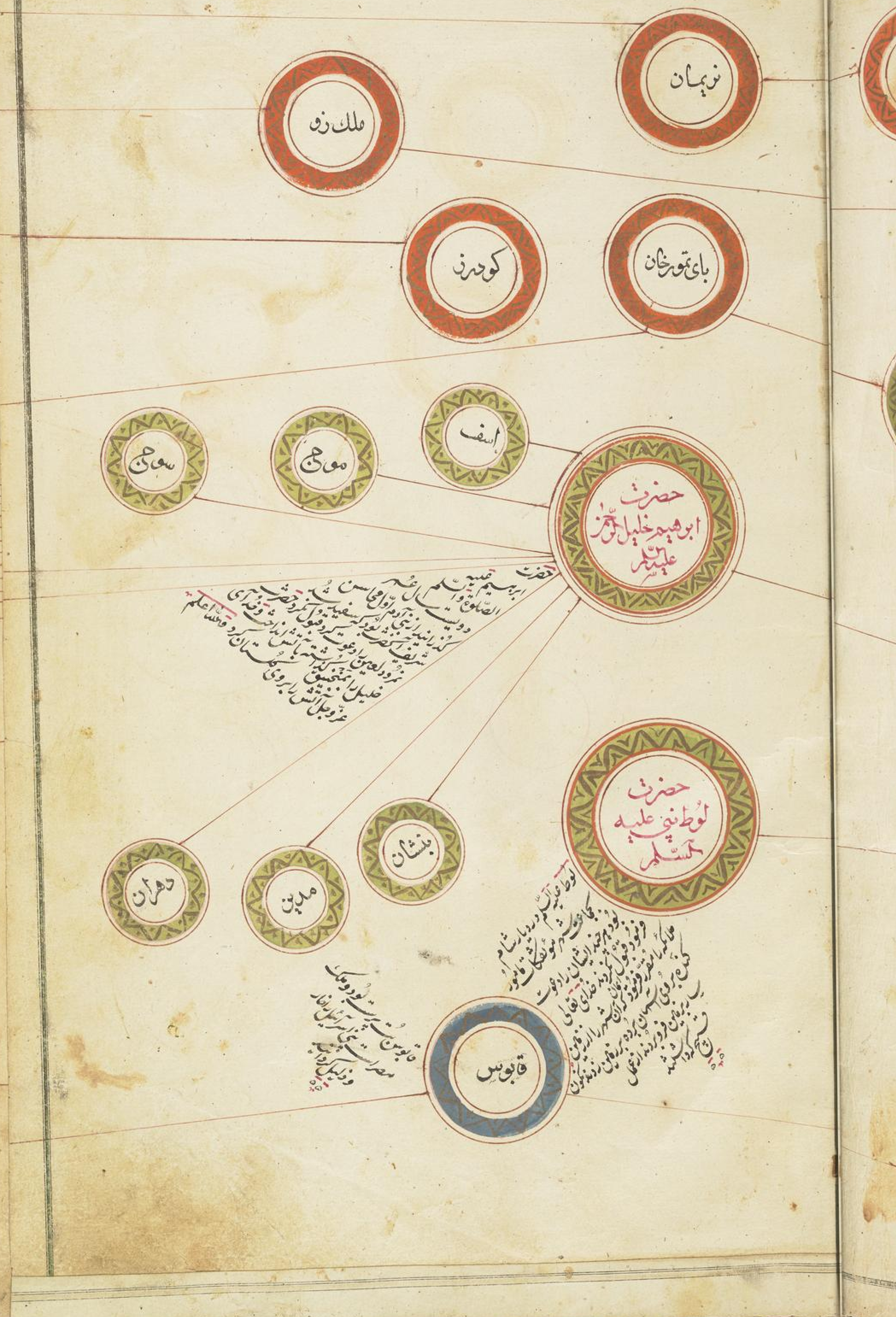
سلم را
روم و مغرب
زمین داده بادشاه
قیصر ولوکداث

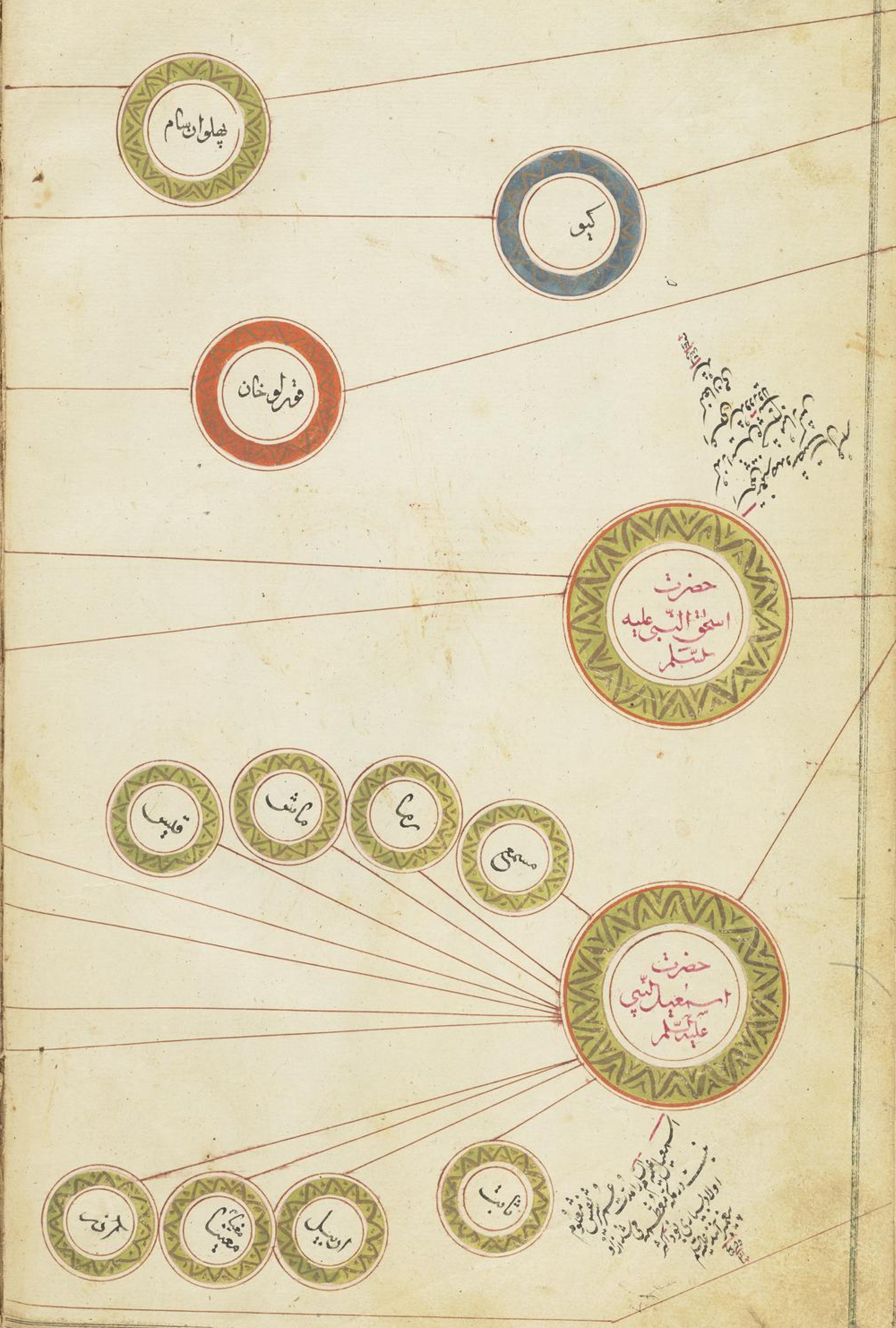
تور را ترکستان و چین
و ختا داده بادشاه
فغفور ولوکداث

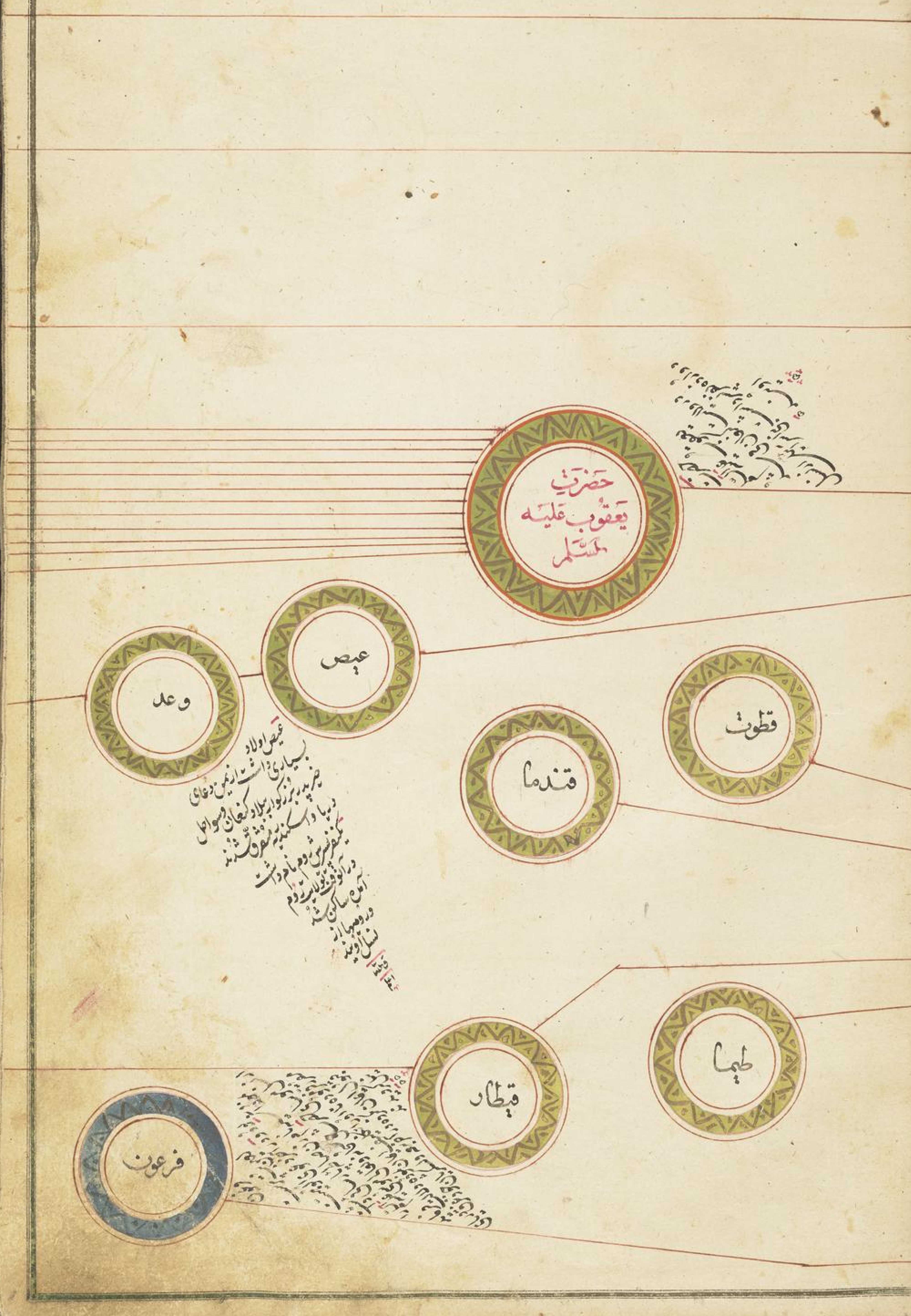
صالح پیغمبر علیه السلام قوم ثمود بود
پیغمبر علیه السلام دعوت کرد قبول ایمان نکردند
چندین سال دعوت نمودند تا آنکه ایشان خاطر کردند و حضرت مسکنی
نمودند و معجزه طلب نمودند برون آمدن از سنگ ناقه قومی سبحانه و تعالی چه شدند
سیاه ناقه با بچه خود بیرون آمد الدعای ایشان الله سبحانه و در رنمای آن بچه در میان
صالح مناجات کرد حسن کرده بودند بقدرت اکثر آن قوم از شیر او ثمر و جاری آن
از آن سنگی بیرون آمد سی سال در صحرا می نمود آخر الامر از روی عناد بچه چنانچه بیرون
خویش بیرون آمده با قبول ایمان نکردند ایشان اتفاق کرده ناقه را پی کردند و بدین خدای را
و فیض می کردند آب از چاه ایشان شد و از نظرها غایب هلاک و نابود کردند
خوردن از چاه آب متواری شد و مدینه عقاب شعر این قصه است والله اعلم بالصواب
سنگ رفته الصیحه و مقیم
قوم مبارکه و الشمس
فالبحر حج کتاب

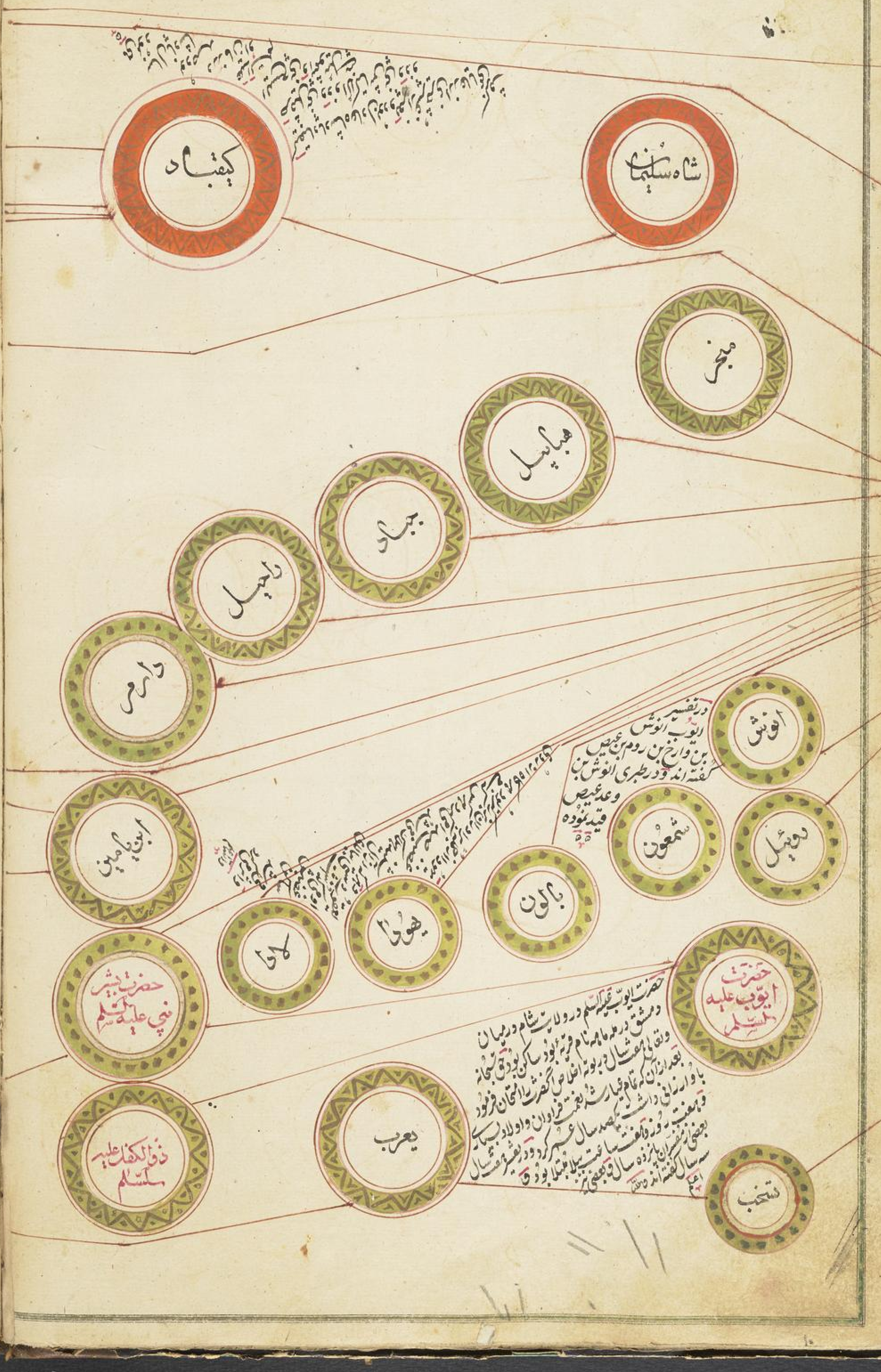

ازط
منوچهر
نوذر
افراسیاب
چین خان
در اسم و نسب حضرت خضر پیغمبر علیه السلام اختلاف کرده اند
بعضی گفته اند که اسم شریفش ایلیا است و بعضی گفته اند که
ارمیا است و بعضی گفته اند که از بنی اسرائیل است و بعضی
گفته اند که از اولاد سام بن نوح است در طوفان با نوح علیه السلام
در کشتی بود و نوح او را دعای خیر نمود و خدای عز و جل او را عمر طویل
ارزانی داشت آب حیات را خورد و بدریاها موکل ساخت
والله اعلم بالحقایق
خضر نبی علیه السلام
روساغ
ارغو
شداد
کنعان
سرد
شدید


کرشاسف
زو
کشواد
طهماسب
کستهم
قوی خان
طوس
ارز
ناخود
هاذان
نمرود
مصعب
ملك ریان
ولید


نریمان
ملك زو
بای تمور خان
کودرز
اسف
موجج
سوجج
حضرت ابرهیم خلیل الرحمن علیه السلم
حضرت
ابرهیم علیه السلم ال عمری سن
الصلوة و ... زمانی نمرود قصه
دوسیت ... آدم ... منجنیق ... وقت ... ایدی
... ... شهرلرده ... آتش ... والله اعلم
شریف ... اوعوب ... آتش ...
نمرود لعین ... منجنیق ... کلستان ...
خلیل ... آتش ... ایردی
عز وجل آتش ...
حضرت لوط نبی علیه السلم
بنشان
مدین
دهران
لوط علیه السلم در دیار شام
بکا ارسال شد مؤتفکات قاموری
قوم ایشان را دعوت
قبول نکردند خدای تعالی
ملائکه را فرستاد شهرهای ایشانرا از زمین
برکند بر آسمان برده بر زمین زدند
... ...
قابوس
قابوس بن ... نوروز ...
مصر ... ...
و ... ...


پهلوان سام
کیو
قورلوخان
حضرت اسحق النبی علیه السلم
مسمع
حضرت اسمعیل النبی علیه السلم
ثابت
اربیل

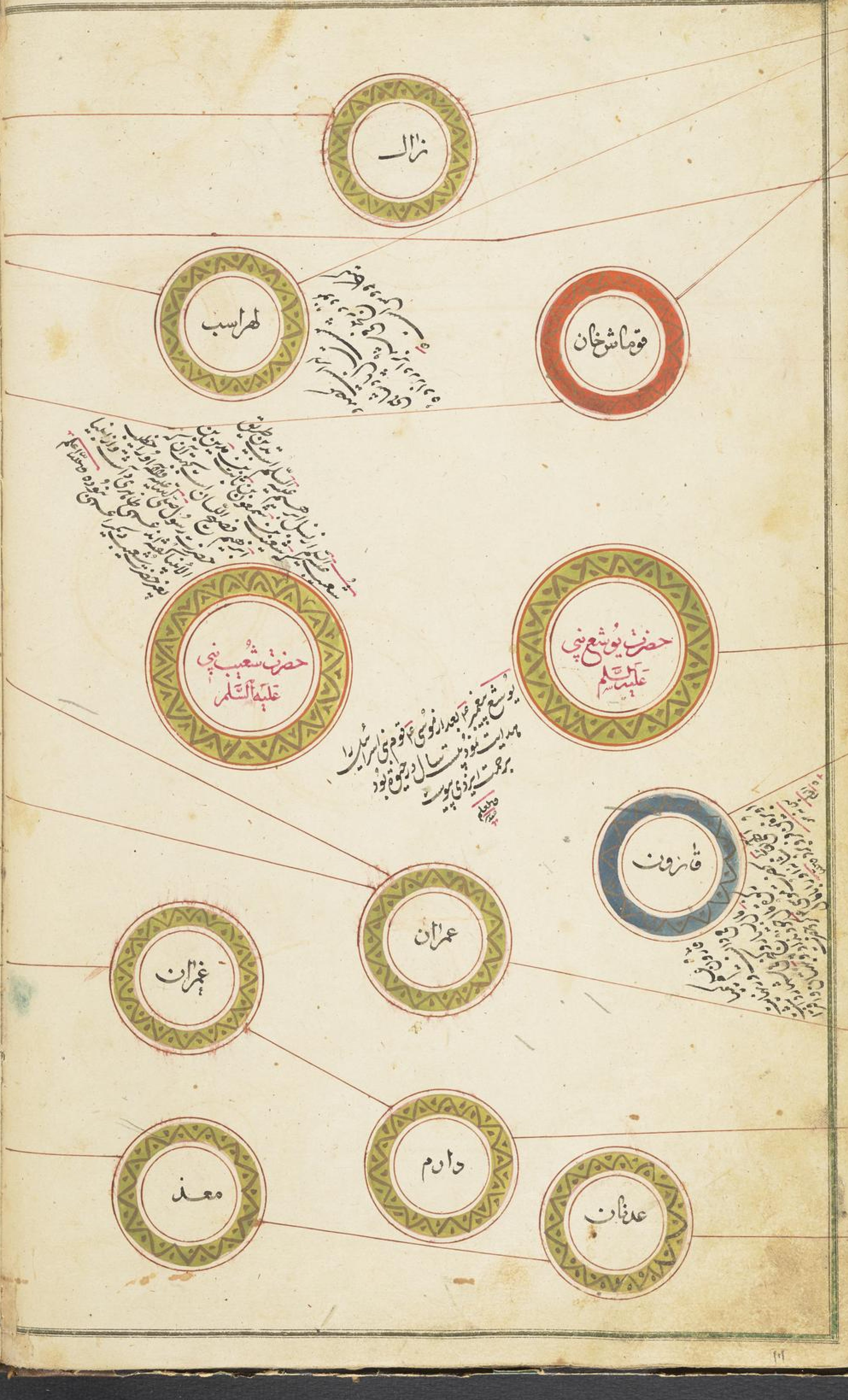

حضرت یعقوب علیه السلام
عیص
وعد
قطوت
قندما
طیما
قیطار
فرعون
عیص اولاد
بسیاری داشت از یمن دعای
پدر بزرگوار بلاد کنعان و سواحل
دریا و اسکندریه متفرق شدند
یکی فرزندی روم نام داشت
در آن وقت تولد روم
آمد ساکن شد
و روم و مما از
نسل او اند



کیقباد
شاه سلیمان
منجز
هبابیل
جباد
داجیل
دارعر
انوش
در تفسیر ایوب انوش بن وارخ بن روم بن عیص گفته اند و در طبری انوش بن وعد عیص قید نموده
روئیل
شمعون
بالون
یهودا
لاوا
ابن یامین
حضرت بشیر نبی علیه السلم
حضرت ایوب علیه السلم
حضرت ایوب علیه السلم در ولایت شام در میان
دمشق در مدمایه نام قریه بود ساکن بود حق سبحانه
وتعالی هفت سال بر وی امراض گماشته امتحان فرمود
بعد از آن که تمام عیال رسته نعمت فراوان و اولاد بسیار
باو ارزانی داشت یکصد سال عمر کرد و در بعضی هفت سال
و در بعضی روایت سه ساعت بیلا مبتلا بود و
بعضی مفسران یازده سال و بعضی
سه سال گفته اند والله اعلم
ذوالکفل علیه السلم
یعرب
تحب



کی نشین
کی افته
کی اوش
کی تراك
خان قرااوغلان
حضرت یوسف علیه السلام
حضرت نون نبی علیه السلم
حضرت افراهیم علیه السلم
حضرت یوسف علیه السلم
مصهر
قاهب
الهمیع
عمرو
قاص


زال
لهراسب
قوماش خان
حضرت شعیب نبی علیه السلم
حضرت یوشع نبی علیه السلم
یوشع پیغمبر ع بعد از موسی ع قوم بنی اسرائیل را
هدایت نمود بیست سال در حیوة بود
برحمت ایزدی پیوست
والله اعلم
قارون
عمران
غمران
دادم
معد
عدنان


رستم
بهمن
عمودخان
گشتاسب
حضرت موسی علیه السلام
حضرت هرون علیه السلام
عمران
فنحاص
عبوان
نزار
مضر

فرامرد

بخت نصر

[illegible]

بالجوخان

جاماسب

[illegible]

یاسین نبی علیه السلام

حضرت الیاس علیه السلام

[illegible]

سلمون

جابر

الیاس

مدرك

قراجا دخان

[illegible]

کیکاوس

[illegible]

اسفندیار

[illegible]

فریبرز

عزیر پیغمبر علیه السلام را نام ارمیا بود که صد سال وفات [illegible]

[illegible]

الیسع پیغمبر علیه السلام

حضرت عزیر علیه السلام

حضرت دانیال علیه السلام

دانیال علیه السلام از نسل بنی اسرائیل است با دوازده هزار نفر از قوم در دست بخت النصر اسیر گردید بوده در وقت خراب کردن بیت المقدس و بعد از فوت بخت النصر [illegible] بیت المقدس را آبادان کرده

عون

ایشا

[illegible]

خزیمه

کنانه

سیاوش

[illegible]

قورتلمس خان

کیخسرو

کیخسرو شصت سال پادشاهی کرد بعد از آن ترک پادشاهی نمود و پادشاهی را به لهراسب داد و بعبادت مشغول شد والله اعلم

فرود

ملک طالوت

طالوت از بنی اسرائیل از اولاد بنیامین بن یعقوب است و در زمان [illegible]

حضرت داود علیه السلام

اشموئیل

[illegible]

الله سبحانه و تعالی داود علیه السلام را هم پیغمبری و هم پادشاهی ارزانی داشت صد و بیست سال عمر کرد و چهل سال پادشاهی نمود چون آفت طاعون افتاده نعوذ بالله من غضب الله بسیار مردم از بنی اسرائیل بمردند حضرت داود علیه السلام مصلی بیرون آمد بدرگاه الهی تضرع و زاری نمود قبول درگاه الهی گردید آن آفت را از ایشان دفع کرد حضرت داود آن مکان را مسجد ساخت و بنا نهاد و با تمام نرسید که از دنیا رحلت کرد و سلیمان علیه السلام با تمام رسانید والله اعلم

جالوت

نظر قریش

جالوت بت پرست بود در غایت کافر و جباری بود خدای تعالی او را بدست داود علیه السلام گرفتار کرد و او را بقتل رسانید والله اعلم

[illegible]

حابوغاخان

داراب

بهمن

همای بنت بهمن

همای بنت بهمن سی سال پادشاهی نمود

[illegible] پادشاهی کرد

ملک رجعم [illegible] سال پادشاهی نمود
مصر و شام [illegible] تصرف او بود و در عهد [illegible]
در عهد [illegible] سلیمان ملک شام [illegible] کرده در بیت المقدس بعضی [illegible]
پادشاهی [illegible] ابنا [illegible] و سلطنت [illegible] سال [illegible]
[illegible] و ابنا [illegible] فیلقوس [illegible]
[illegible] بعد از آن [illegible]

ملک ایسا　ملک ابنا　ملک رجعم

حضرت سلیمن علیه السلم

سلیمان
پیغمبر علیه السلم در زمان [illegible]
[illegible] بود [illegible] و جمیع
[illegible] از انس و جن و جمیع
[illegible] پیغمبری [illegible] حیوانات
پادشاهی [illegible] زبان حیوانات [illegible] راه
بود [illegible] مسخر او گردانیده [illegible] حق تعالی
حیوانات [illegible] باد [illegible] داشت [illegible]
[illegible]
سلطنت [illegible] عمر [illegible]
[illegible] پادشاهی کرد و بیت المقدس را تمام کرد
والله اعلم بالصواب

مالک

لقمان

لقمن حکیم در زمان داود پیغمبر علیه السلم بود و سی سال
باهم بودند

ساسان داراب

اسکندر

فیلقوس یوشا

اسکندر ذو القرنین از
نسل فیلقوس است اسکندر
بن فیلقوس از مشرق تا مغرب
فیلقوس می گویند ... روی زمین یاجوج و ماجوج
در زمان او بود سد [illegible] بعضی گفته اند
کشید و حکمت طلب [illegible] بعضی
پیغمبر بود و [illegible] یافت و در این حدیث
زندگانی در [illegible] روز نام موضع قاف
کرده است [illegible] پادشاهی کرد و بعضی گفته اند چهارده سال در وقتی
در نزد ارسطاطالیس [illegible] یونان آوردند و ... نام پسری داشت
پدر پادشاه [illegible] بتحصیل علم حکمت [illegible] اراده کردند که جای
وفات کرد که [illegible] تحصیل سلطنت [illegible] پدرم
یونان و مصر و شام و یمن و مغرب [illegible] ابو عونس نامی را بسلطنت [illegible] کردند
او بود ... سال مملکت کرد که [illegible]
که اصحاب کهف از او گریخته در غاری پنهان شدند
بخت نصر ... تا زمان اردشیر بابکان
پادشاهی نمودند و پسران ایشان
ارسطوس [illegible] بطلیموس
و بعد از آن عیص بن
اسحق [illegible] و الله اعلم

فهر

فهر حارث است [illegible] او را
چهار پسر بود غالب و محارب و عمرو
و حارث ابو عبیده جراح از نسل
ایشان است [illegible]
است که گویند در
[illegible]

ساسان

اشک ده سال پادشاهی کرد و پسر
و دارا است و در وقت او هرمز ... بود و ازاو
و ... پادشاهی ... طفل بود ... اسکندر ... رحلت
نام ... پادشاهی ... و ... بود ... اسکندر ... طوائف ملوک ...
از ملوک ... و ... بود ... الطوایف ... پادشاه ...
قاعده ... بزرگان ... آورده ...

اشک

یعقوب

ماثان

زکریا علیه السلام

حضرت یحیی علیه السلام

یحیی
علیه السلام از معصومین بود
خلق را از ... دعوت در آن وقت
و داشت بیت المقدس ... بن ...
... یحیی بن زکریا را
دو ... بیت ... بن ... شهید
... ساختند

زکریا علیه السلام از بنی اسرائیل است
از اولاد رحبعم بن سلیمان
در زمان بطلیموس یهودیان
بهتان بر او بستند با منشار
دو نیمه ساختند

مریم

عمران

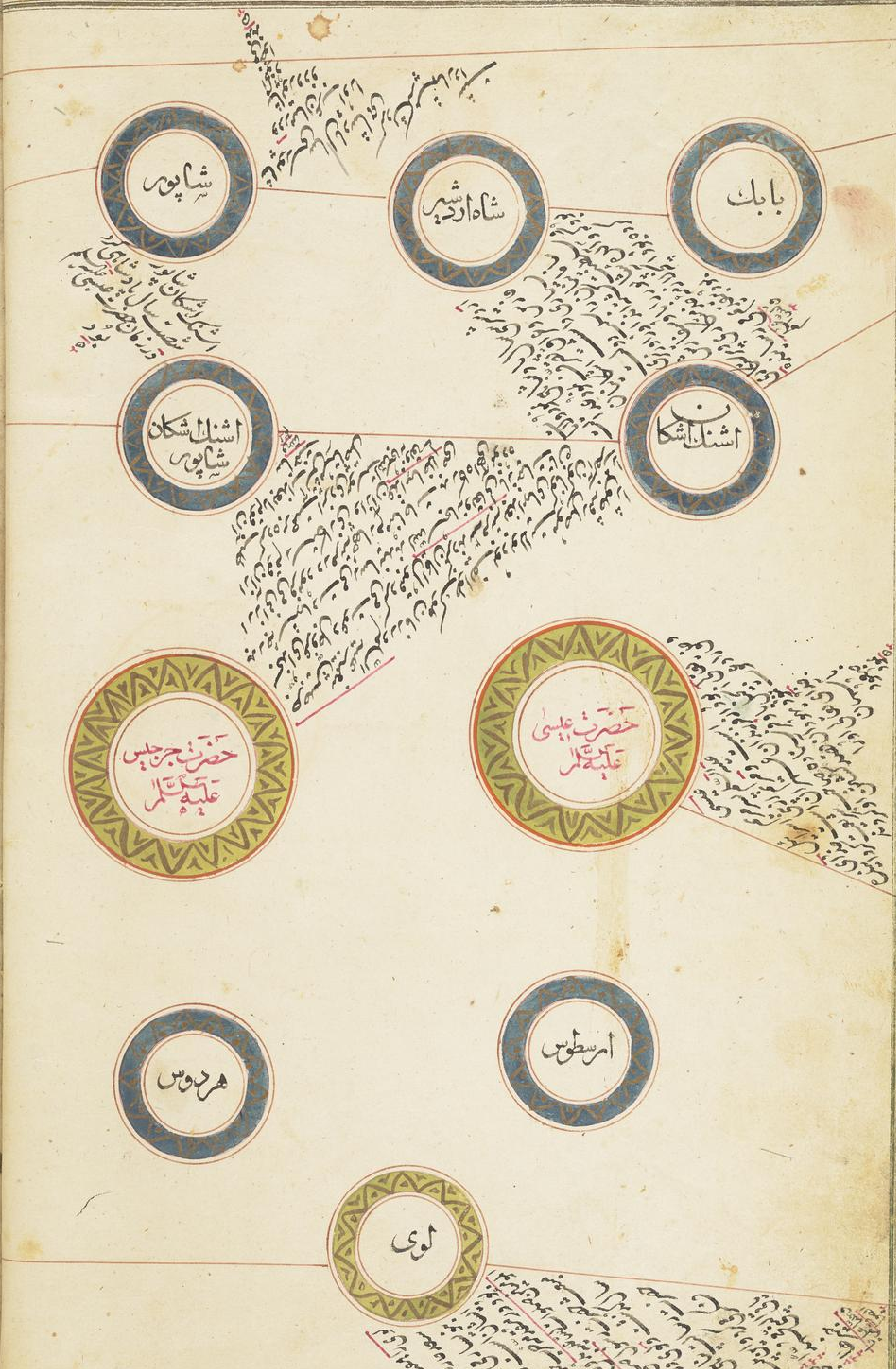
مریم بنت عمران
مادر عیسی [illegible]
[illegible]

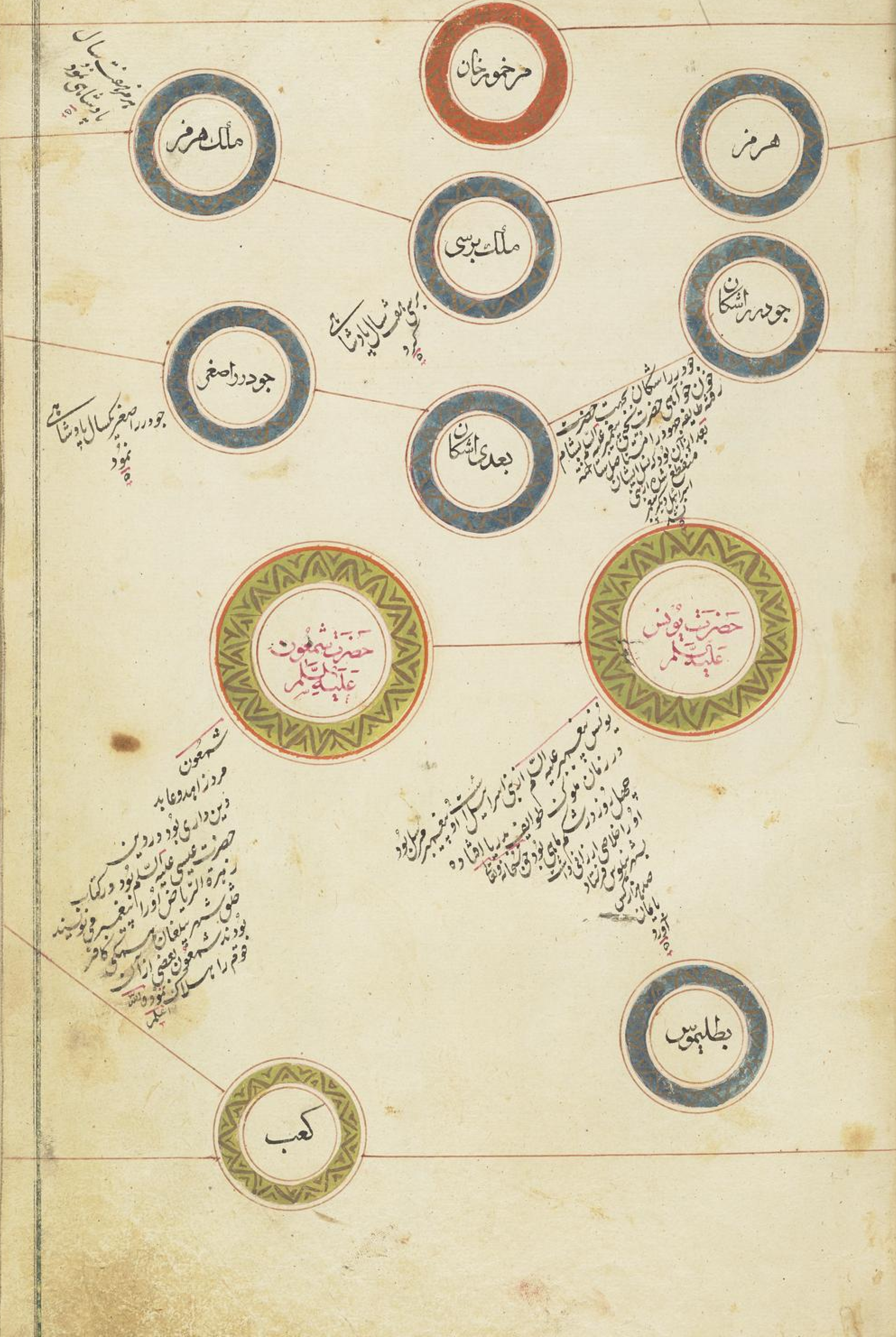
لوغوس

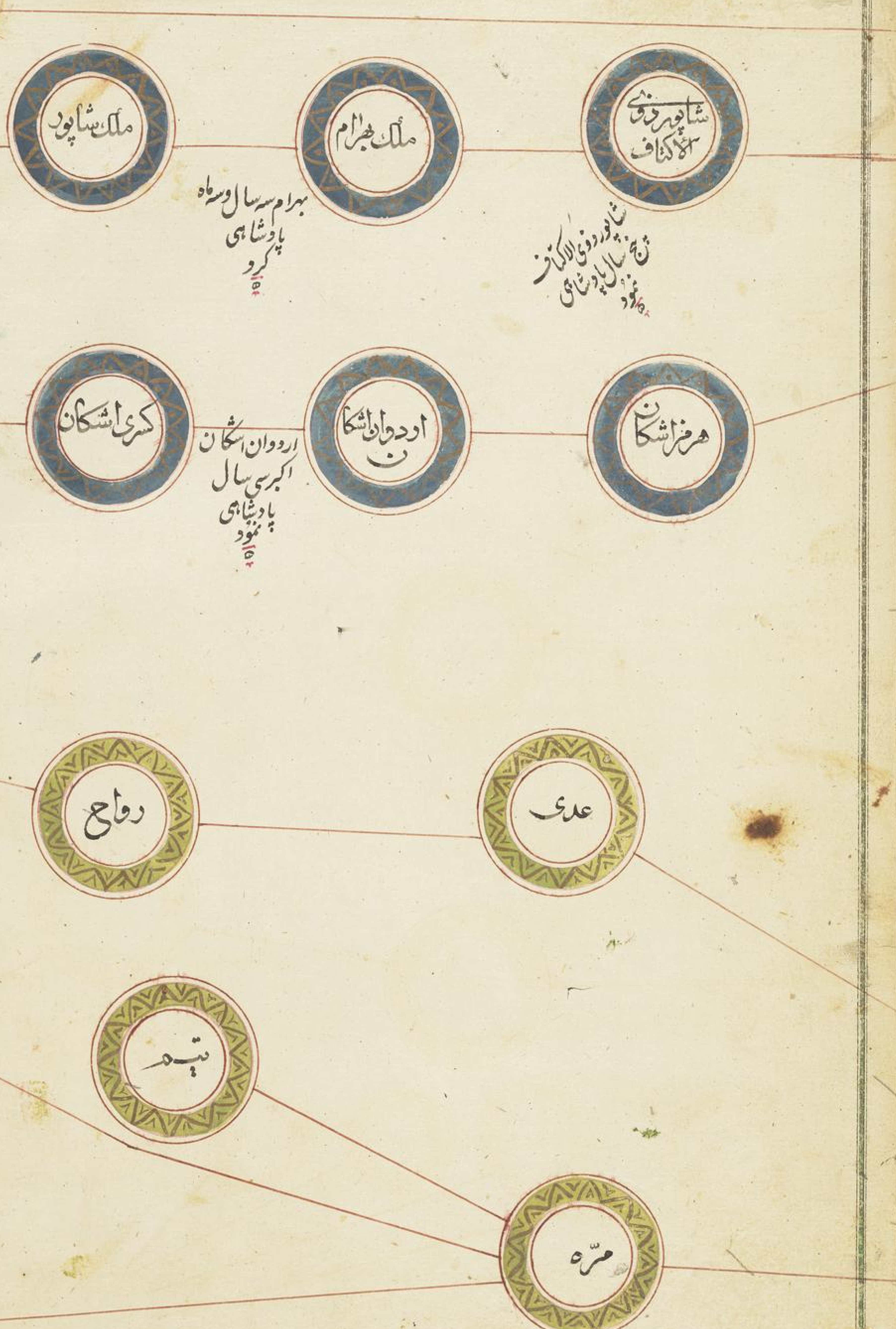
دقیانوس

غالب

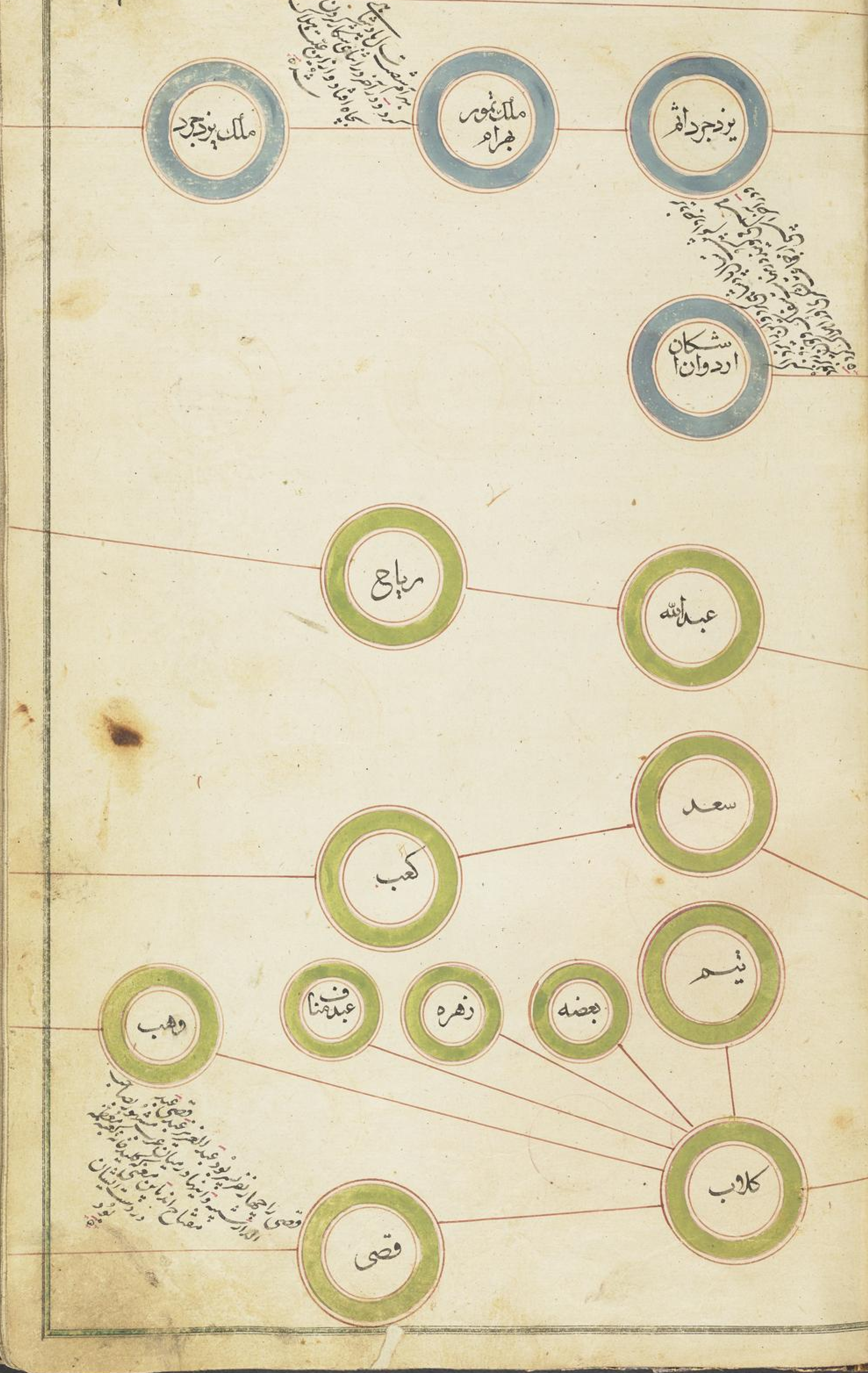
غالب را دو پسر بود لوی و تیم الادرم
شاعر هلال بن حنظله که در دست
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
بقتل رسید


بابك
شاه اردشیر
شاپور
اشنك اشكان
اشنك اشكان شاپور
حضرت عیسی علیه السلام
حضرت جرجیس علیه السلام
ارسطوس
هردوس
لوی

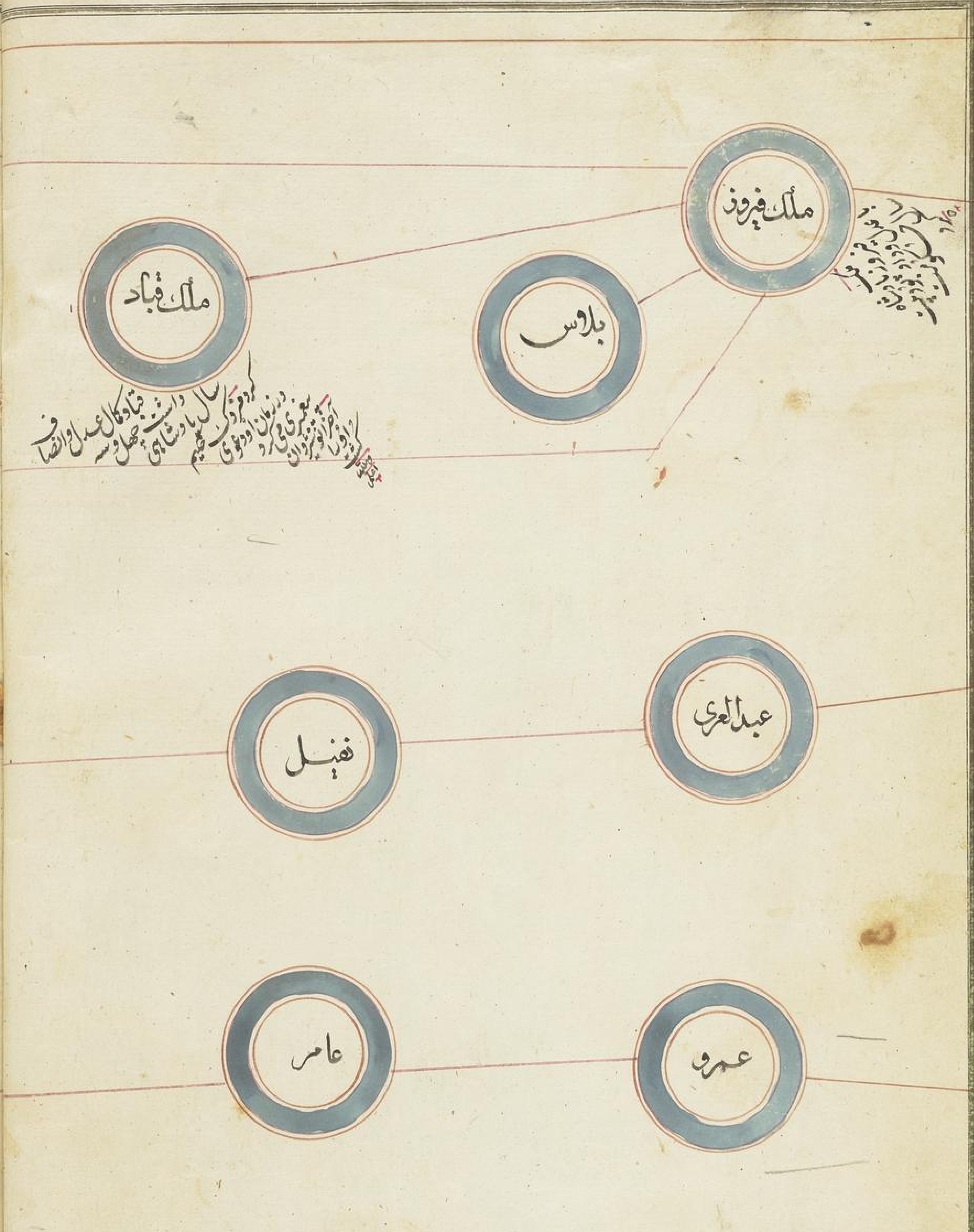

هرمز
ملک هرمز
ملک برسی
جودرز اشکان
جودرز اصغر
بعدی اشکان
جودرز اصغر یکسال پادشاهی نمود
حضرت شمعون علیه السلام
حضرت یونس علیه السلام
شمعون مردی زاهد و عابد و دین داری بود و در دین حضرت عیسی علیه السلام بود و در کتاب زهرة الریاض اورا پیغمبر می نویسند
یونس پیغمبر علیه السلام از بنی اسرائیل است او پیغمبر مرسل بود
بطلیموس
کعب



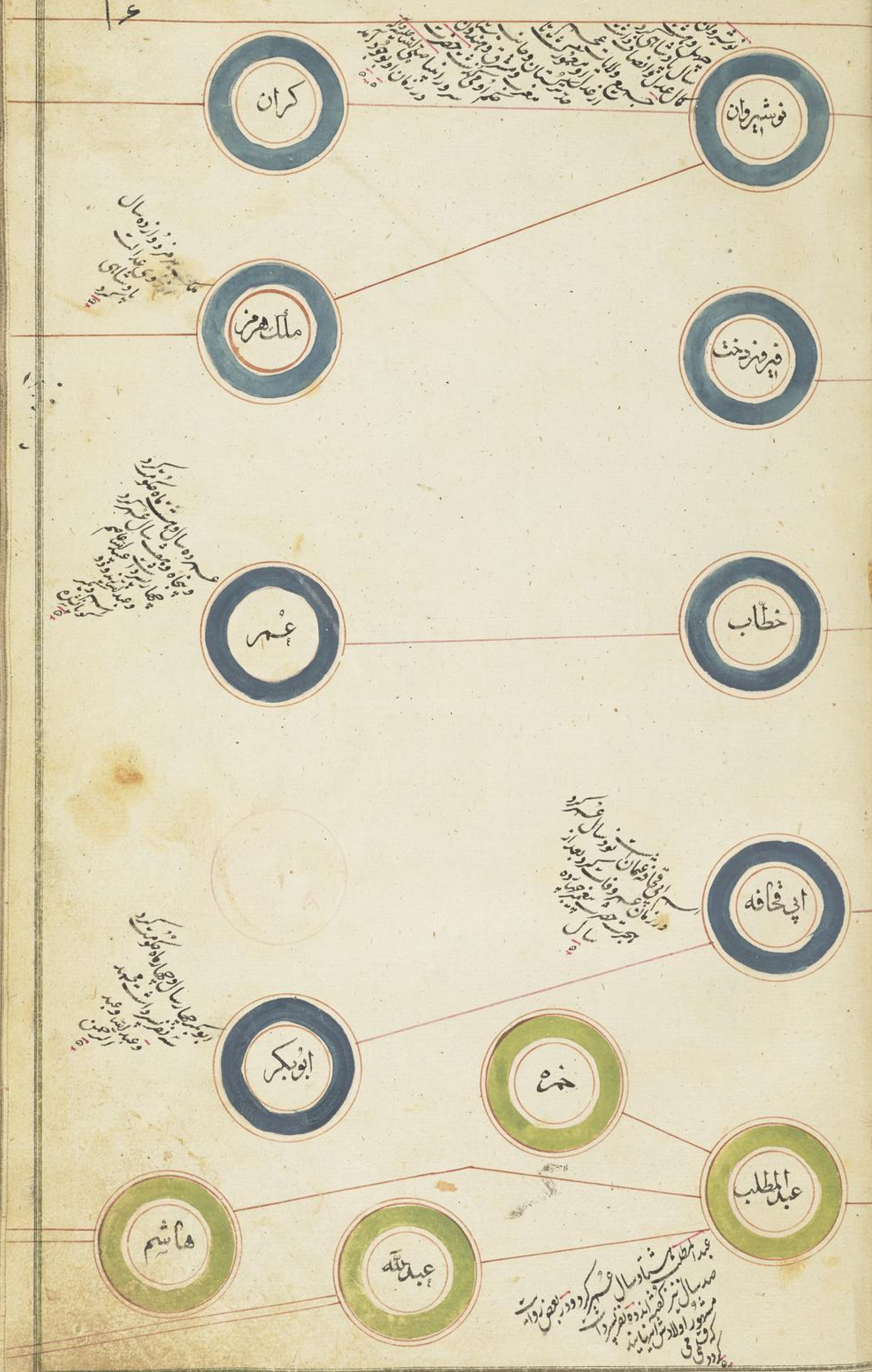
شاپور ذوی الاکتاف
ملک بهرام
ملک شاپور
بهرام سه سال و سه ماه پادشاهی کرد
ه
شاپور ذوی الاکتاف
شصت سال پادشاهی نمود
ه
هرمز اشکان
اردوان اشکان
کسری اشکان
اردوان اشکان اکبر سی سال پادشاهی نمود
ه
عدی
رواح
تیم
مرّه

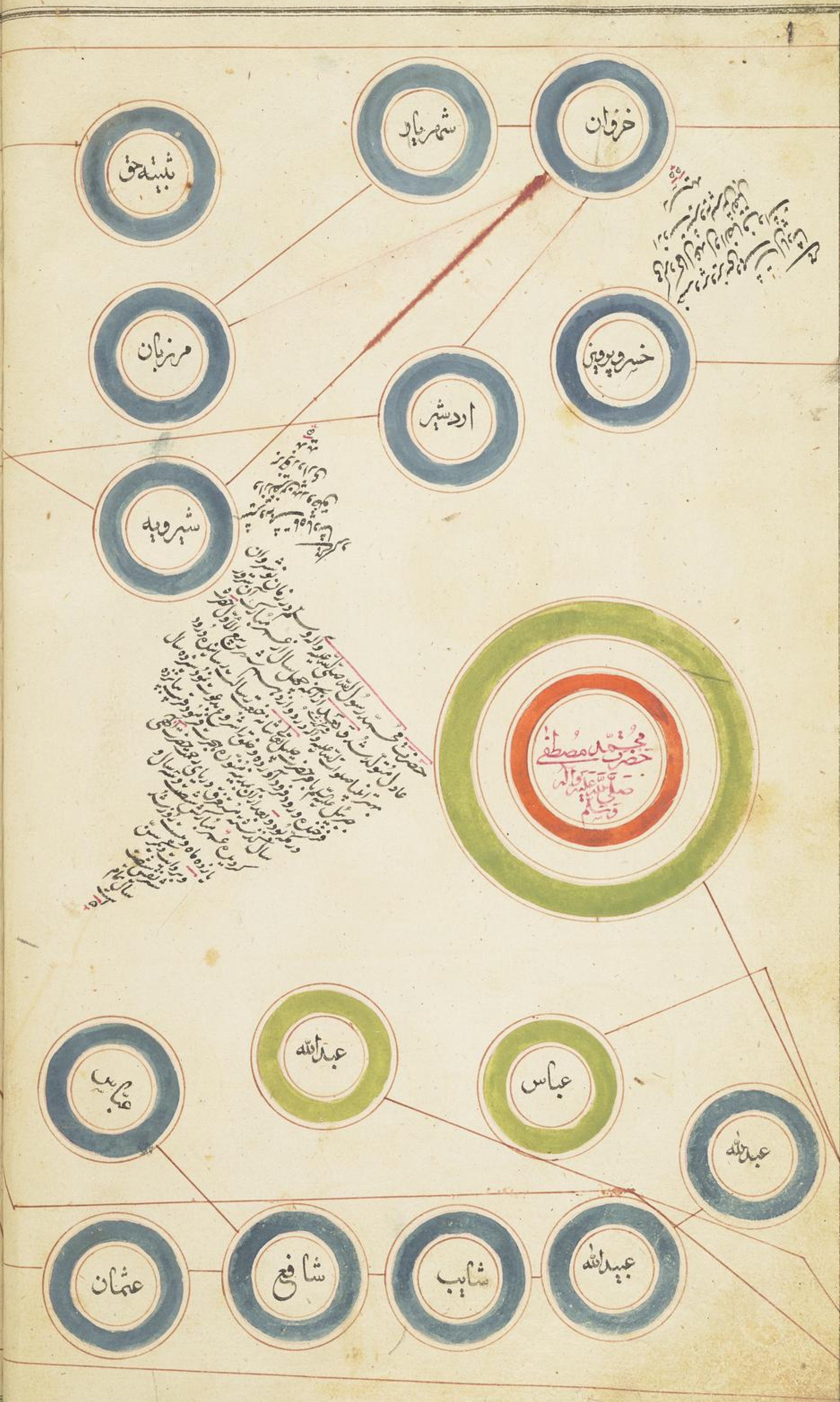


ملك يزدجرد
ملك نور بهرام
يزدجرد اثيم
شكان اردوان
رياح
عبدالله
سعد
كعب
تيم
بعضه
زهره
عبدمناف
وهب
كلاب
قصي

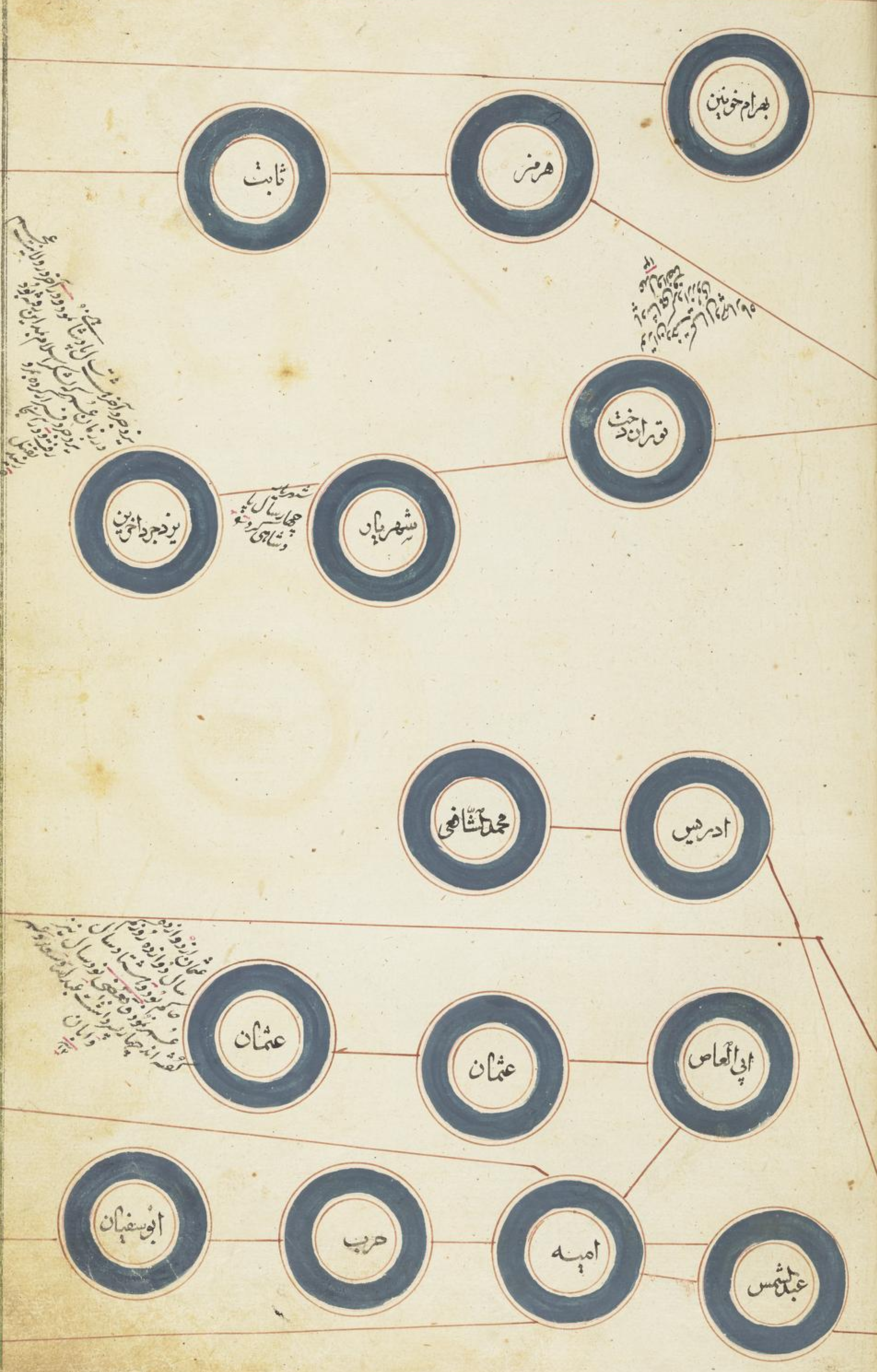


ملك فيروز
ملك قباد
بلاوس
قباد کمال عدل و انصاف داشت چهل و سه سال پادشاهی کرد
عبد العزى
نفيل
عمرو
عامر
هاشم
عبد مناف
وهب بنت امية

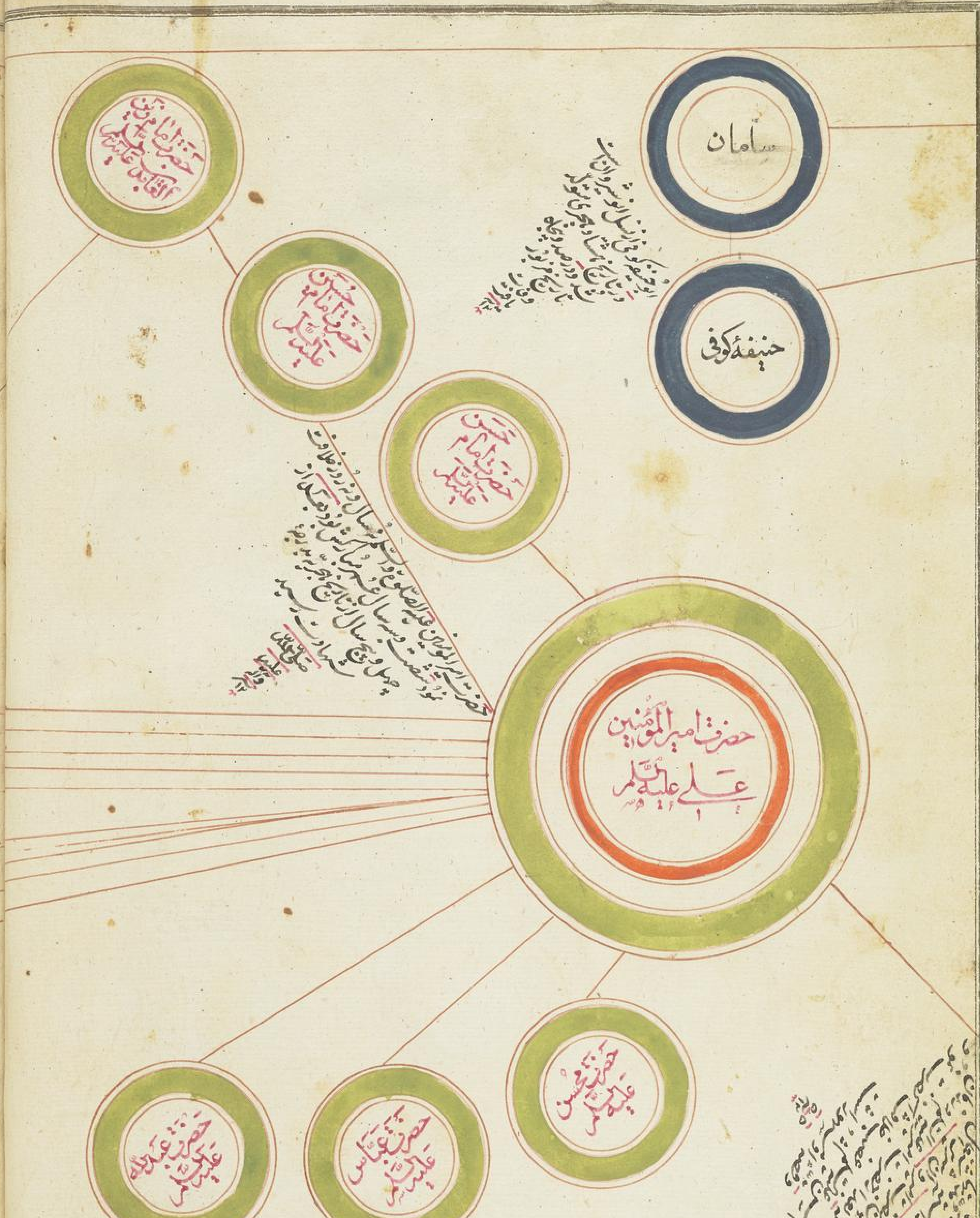

نوشیروان
کران
ملک هرمز
فیروز دخت
خطاب
عمر
ابی قحافه
ابوبکر
حمزه
عبد المطلب
هاشم
عبد الله



خروان
شهریار
ثبیته حق
مرزبان
خسرو پرویز
اردشیر
شیرویه
حضرت محمد مصطفى صلى الله عليه وآله وسلم
عبدالله
عباس
عتبه
عبدالله
عبیدالله
شایب
شافع
عثمان



بهرام خوبین
هرمز
ثابت
پوران دخت
شهریار
یزدجرد اخیرین
محمد الشافعی
ادریس
عثمان
عثمان
ابی العاص
ابوسفیان
حرب
امیه
عبدشمس


سامان
حنیفهٔ کوفی
حضرت امام زین العابدین علیه السلام
حضرت امام حسین علیه السلام
حضرت امام حسن علیه السلام
حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
حضرت محسن علیه السلام
حضرت عباس علیه السلام
حضرت عبد الله علیه السلام
معاویه
یزید
معاویه

هامان — سیاوخش

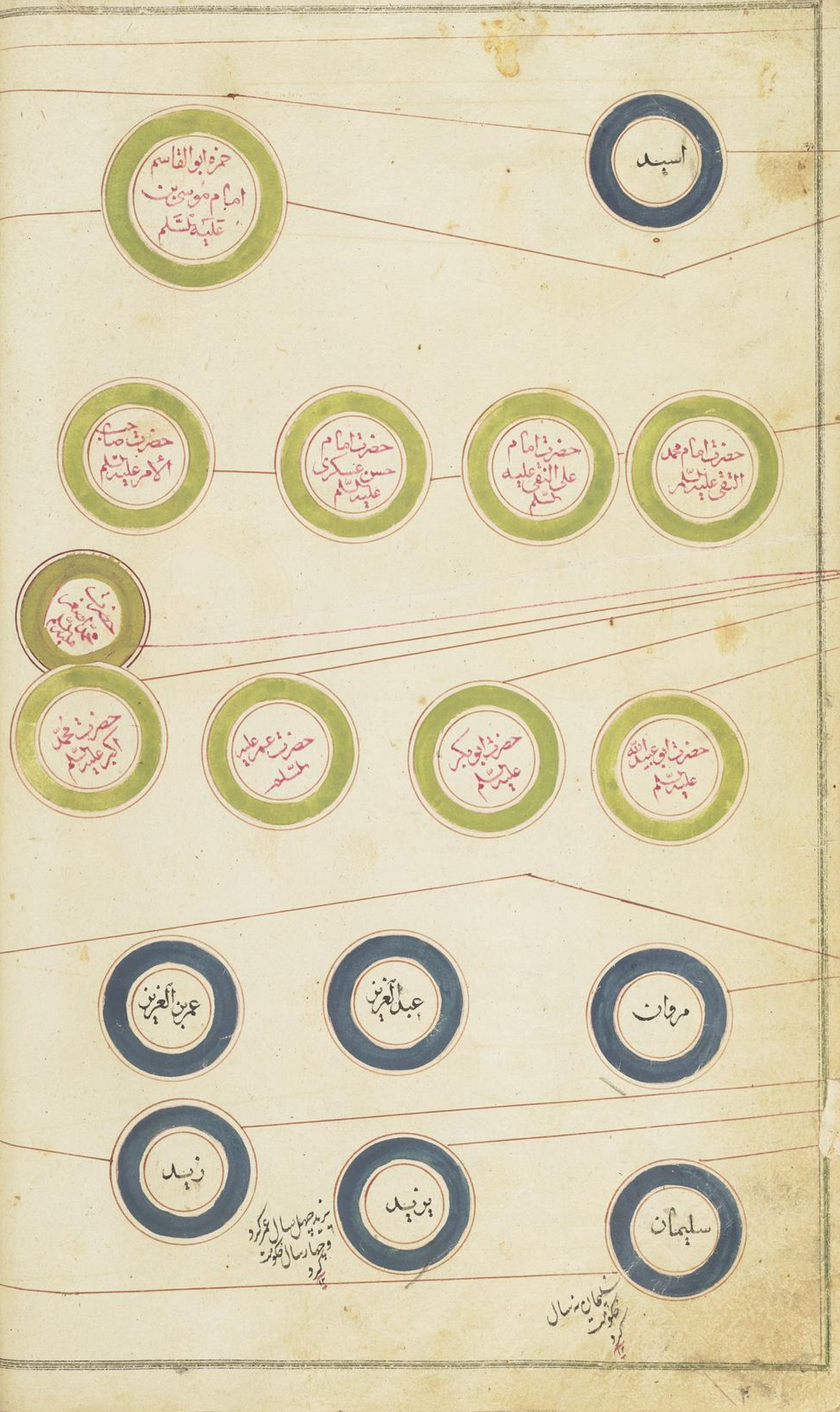
حضرت امام علی الرضا علیه السلام — حضرت امام موسی کاظم علیه السلام — حضرت امام جعفر صادق علیه السلام — حضرت امام محمد باقر علیه السلام

حضرت یحیی علیه السلام — حضرت محمد اوسط علیه السلام — حضرت عثمان علیه السلام — حضرت عون علیه السلام — حضرت جعفر علیه السلام

ولید — عبدالملک — مروان — حکم

عبدالملک سیزده سال حکومت کرد

مروان هشتاد و یک سال عمر کرد و [illegible] خلافت نمود


اسپد
حمزه ابو القاسم امام موسی بن علیه السلم
حضرت امام محمد التقی علیه السلم
حضرت امام علی النقی علیه السلم
حضرت امام حسن عسکری علیه السلم
حضرت صاحب الامر علیه السلم
حضرت ابو عبید الله علیه السلم
حضرت ابو بکر علیه السلم
حضرت عمر علیه السلم
حضرت محمد اکبر علیه السلم
مروان
عبد العزیز
عمر بن العزیز
سلیمان
یزید
زید
یزید چهل سال عمر کرد و چهار سال حکومت کرد
سلیمان نه سال حکومت کرد


اسمعیل
محمد بن حمزه
علی
ابومسلم
در نسب ابومسلم اختلاف نموده‌اند نامش عبد الرحمن است
در خراسان از بنی عجال بود مرد بزرگ عاقل بود
محب بنی هاشم بود سبب دولت
عباسیان که از خراسان
خروج نموده‌اند
ابومسلم
هشام
هشام سیزده سال حکومت کرد
و شصت و یکسال
عمر کرد
ولید
یزید
یزید شش ماه حکومت کرد
محمد

ابو منصور
احمد العادل

احمد اول سامانیان
انتهی

عبد الملک

نوح ابو منصور

نوح دوسال پادشاهی
انتهی

۶

احمد بن
محمد

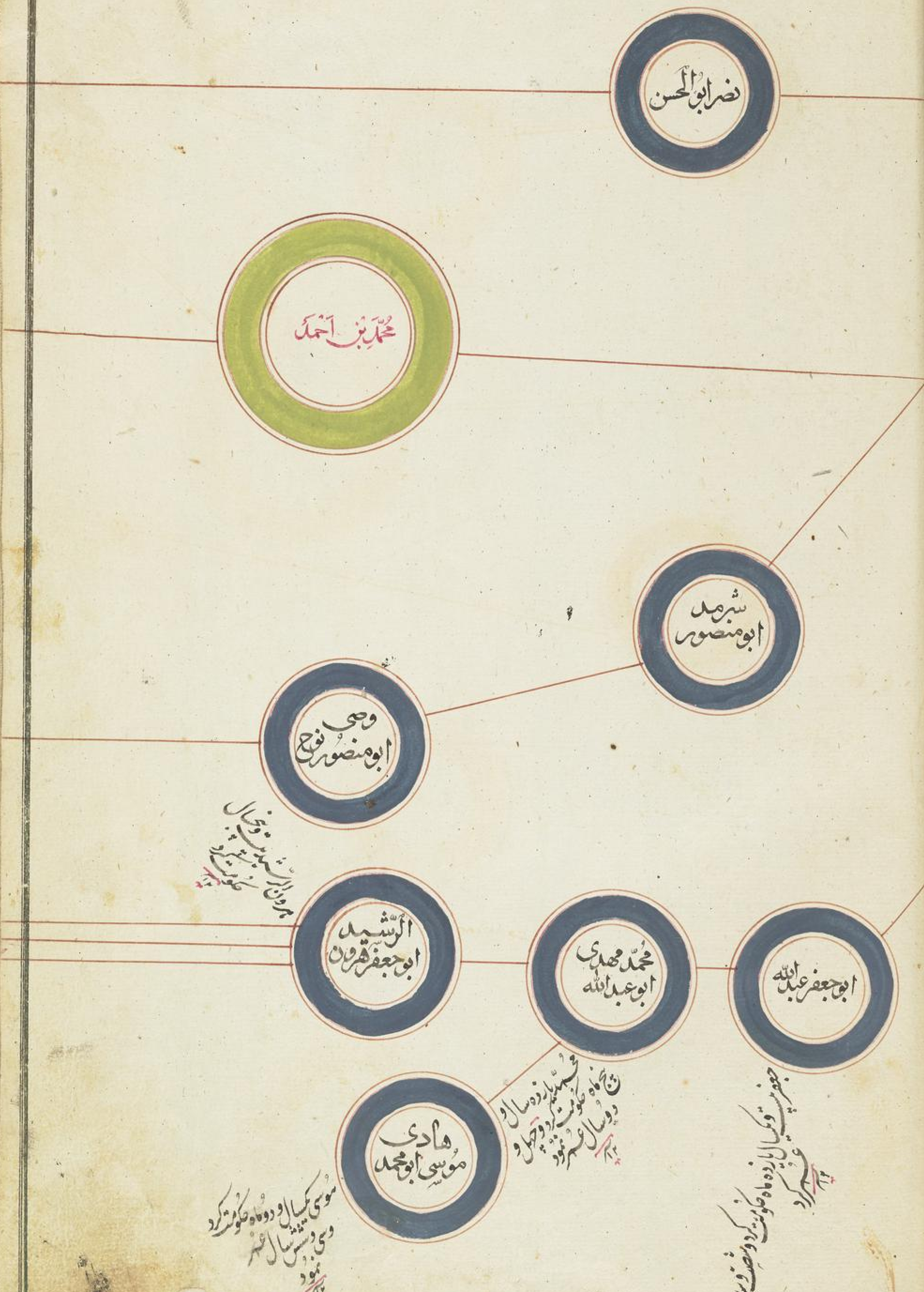
سفاح
عبد الله ابو العبا
س

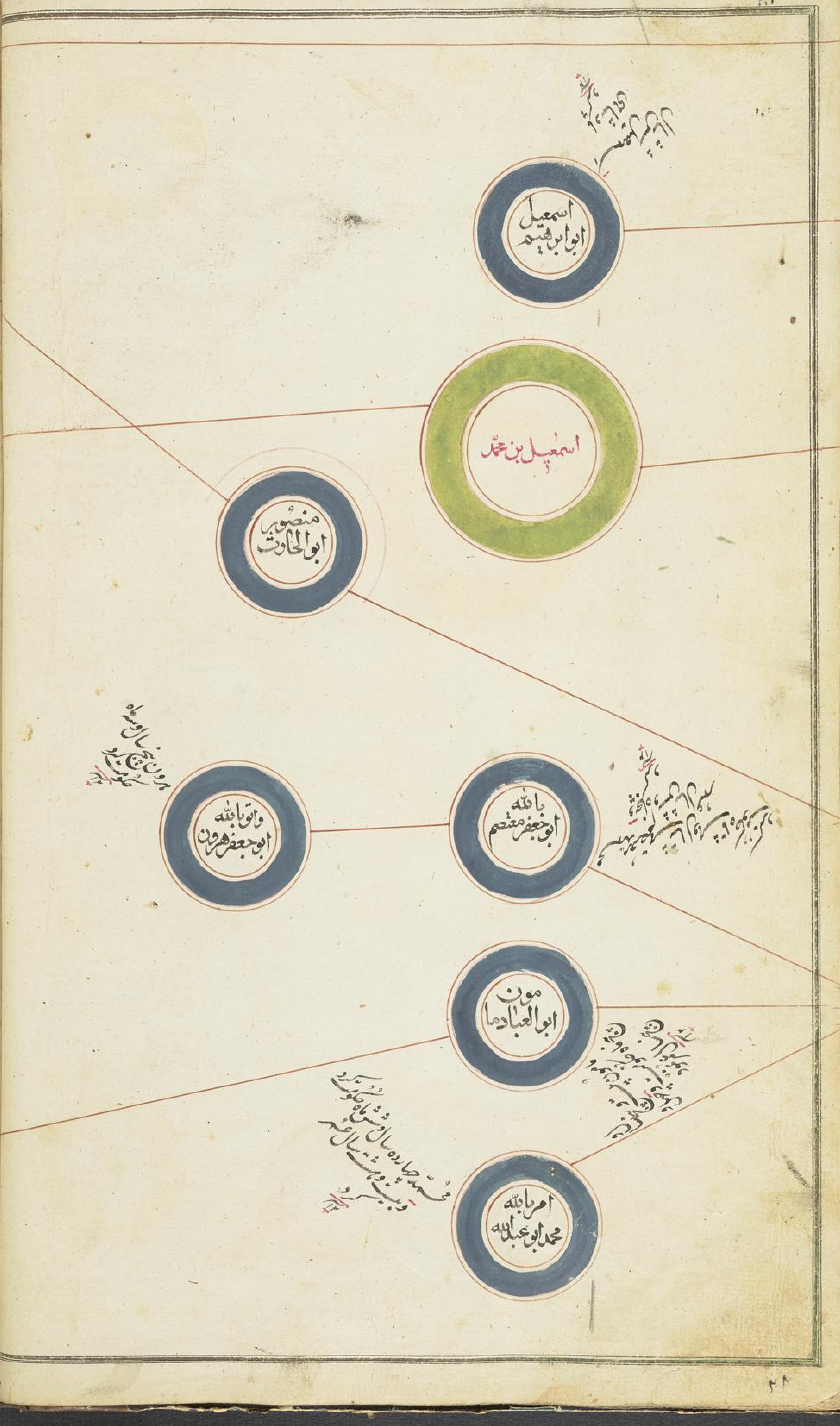
عبد الله سفاح [illegible] سال [illegible] ماه حکومت
کرد و پنجاه و دو سال عمر نمود و اول عباسیان
است در سنه یکصد و سی و دو
روز [illegible]
و [illegible] ربیع الاول
انتهی

ابراهیم

مروان حمار

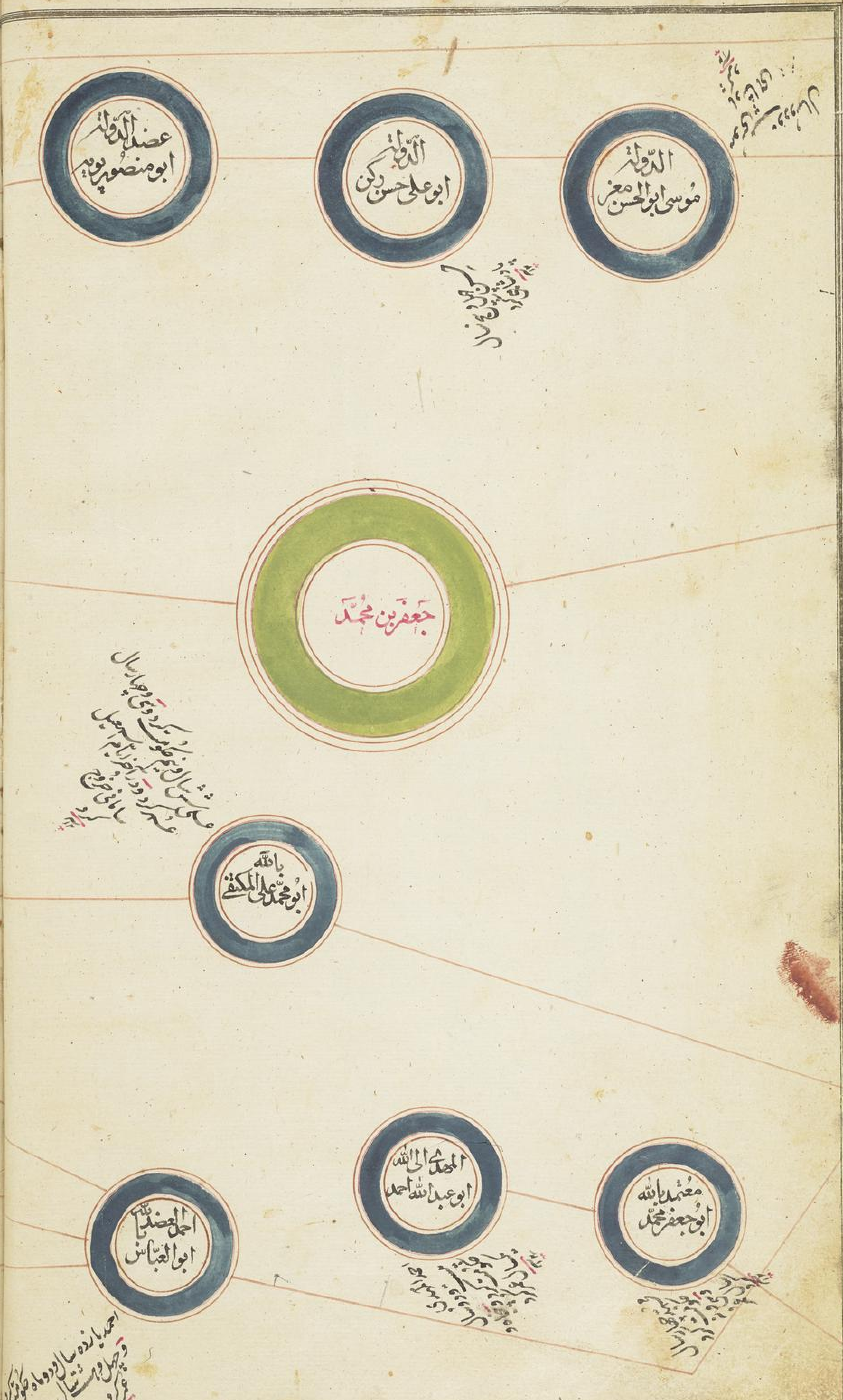
مروان حمار [illegible] [illegible] کرد و [illegible] و دو سال عمر کرد
ابو مسلم در زمان او بود و خروج کرد و در [illegible]
زمان [illegible] در سنه یکصد و سی و دو
[illegible] انتقال یافت
انتهی

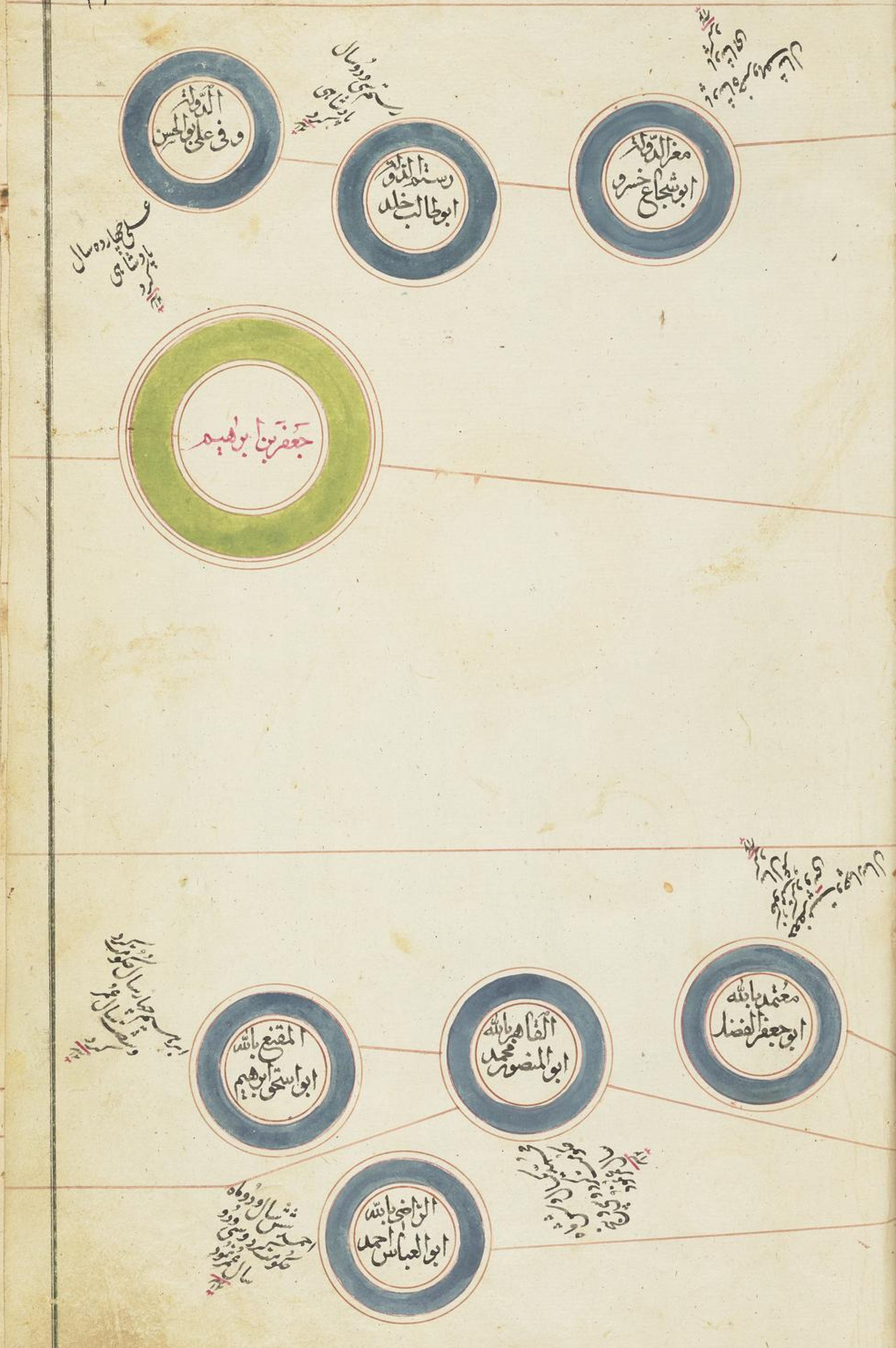

نصر ابو الحسن
محمد بن احمد
شرمد ابو منصور
وحی ابو منصور نوح
الرشید ابو جعفر هرون
محمد مهدی ابو عبد الله
ابو جعفر عبد الله
هادی موسی ابو محمد
موسی یکسال و دو ماه حکومت کرد و وی بیست و شش سال عمر نمود


اسمعیل
ابو ابرهیم
اسمعیل بن محمد
منصور
ابو الحارث
بالله
ابو جعفر معتصم
واثق بالله
ابو جعفر هرون
مون
ابو العباد ما
امر بالله
محمد ابو عبدالله
مستنصر چهارده سال و شش ماه خلافت کرد

ملک بویه را [illegible] ... ایشان ... دیالمه ... پسر ... پادشاهان ... سلطان ... امرا ... [illegible]




الدوله
موسی ابو الحسن معز
الدوله
ابو علی حسن رکن
عضد الدوله
ابو منصور بویه
جعفر بن محمد
بالله
ابو محمد علی المکتفی
معتمد بالله
ابو جعفر محمد
المهدی الی الله
ابو عبد الله احمد
احمد العضد بالله
ابو العباس
احمد یازده سال و دو ماه حکومت کرد
و چهل و هشت سال
عمر کرد



الدولة
وفی علی ابوالحسن
رستم الدولة
ابوطالب خلد
معز الدولة
ابوشجاع خسرو
علی چهارده سال پادشاهی کرد
رستم دو سال پادشاهی کرد
جعفر بن ابرهیم
معتمد بالله
ابوجعفر الفضل
القاهر بالله
ابوالمنصور محمد
المتقی بالله
ابواسحق ابرهیم
الراضی بالله
ابوالعباس احمد

عز الدوله ابو محمد بختیار

عز الدوله ابو شجاع بویه

شاه خسرو ابو الفوارس شرف

شاه خسرو پنج سال پادشاهی کرد

محمد بن ابراهیم

محمد بن حسین

المکتفی بالله ابو القاسم عبد الله

المطیع بالله ابو القاسم الفضل

الطائع بالله ابو بکر عبد الکریم

القادر بالله ابو العباس احمد

احمد چهل و یکسال حکومت کرده ... عمر نمود و در زمان او عبد الملک سامانی ... نموده کل خراسان را تصرف نمود

بهاء الدوله
ابو منصور طاهر

[illegible]

حسام الدوله
ابو شجاع سلطان

ابو شجاع دوازده سال پادشاهی
کرد [illegible]

حلیم الدوله
ابو المظفر شهنشاه

شهنشاه [illegible] سال پادشاهی
کرد [illegible]

حسین بن محمد

محمد بن شرف شاه

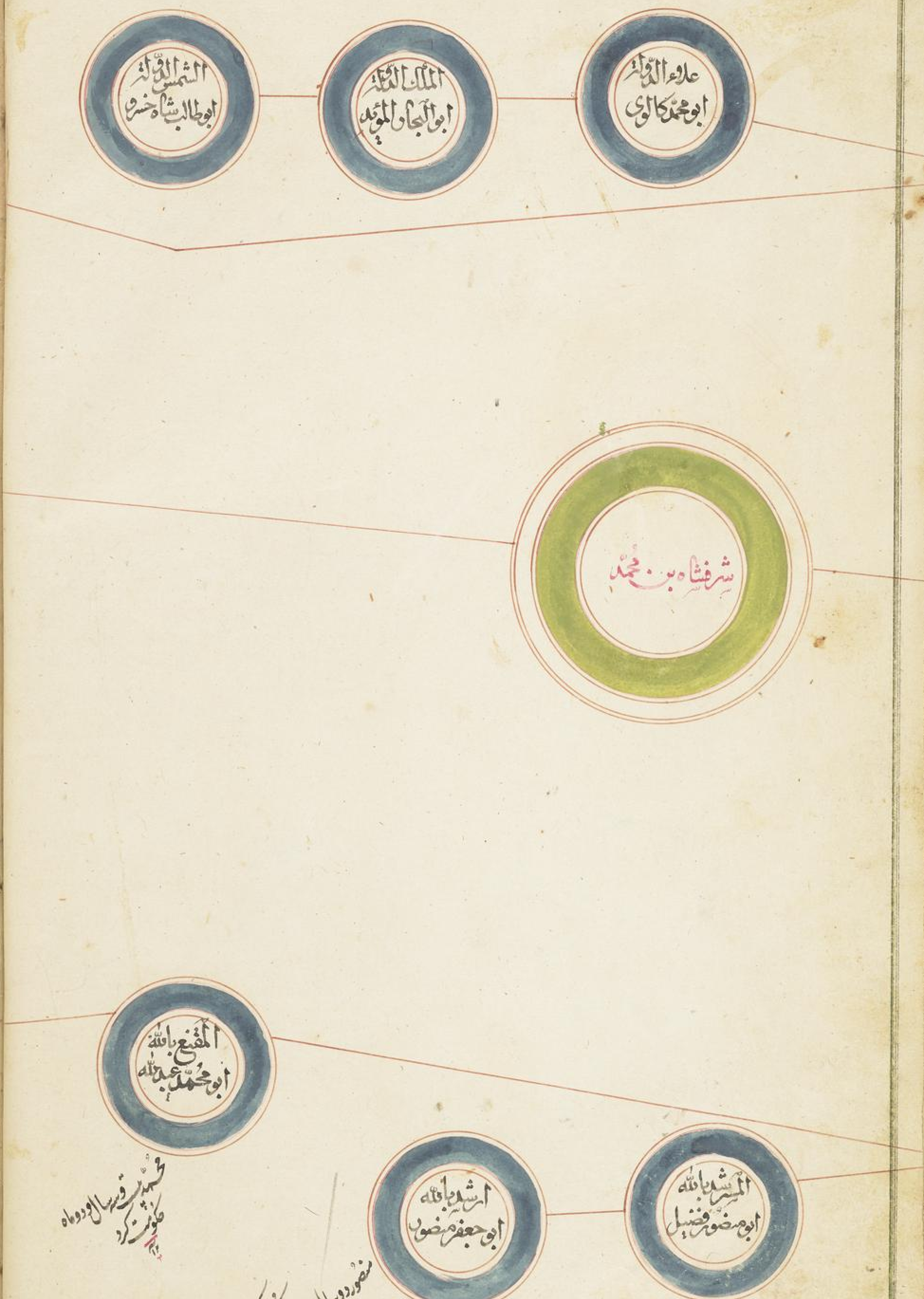
المقتدی بالله
ابو القاسم عبد الله

[illegible]

القائم بالله
ابو جعفر محمد

المستظهر بالله
ابو العباس احمد

احمد بیست و دو سال پادشاهی کرد
و در زمان این دولت آل بویه
منقضی شد [illegible]



علاء الدولة
ابو محمد كالوی
الملك الدولة
ابو البجا المؤيد
الشمس الدولة
ابو طالب شاه خسرو
شرفشاه بن محمد
المسترشد بالله
ابو منصور فضيل
الراشد بالله
ابو جعفر منصور
منصور دو سال و سه ماه حکومت کرد
المقتفي بالله
ابو محمد عبد الله

٩

قیدخان

نذرین کلاه
محمد بن قیر فرشام

[illegible]

بالله
ابو عبد الله المستنجد

[illegible] سال [illegible]

المستضیء بالله
ابو منصور حسن

حسن نوزده سال پادشاهی کرد و در زمان او دولت
غزنویان منقضی شد و ملوک غرب
بولایات [illegible] مستولی
شدند و [illegible] شاه
[illegible]
رفت

الناصر الدین الله
ابو الحسن احمد

احمد چهل و پنج سال
پادشاهی کرد

بایسفرخان

[illegible]

فیروزشاه غوص الخواص

[illegible]

محمد الحافظ ابن غوص الخواص

[illegible]

ناصر الدولة سبکتکین

[illegible]

بامرالله ابونصر محمد ظاهر

المستعین بالله ابوجعفر منصور

المعتصم بالله ابواحمد عبدالله

[illegible]

توميه

صلاح الدين ابن محمد الحافظ

صلاح الدين [illegible] سنجر [illegible]
[illegible]

[illegible] از نسل بیلکانکین [illegible] سلطان سنجر [illegible]
[illegible] خوارزم [illegible] قطب الدين [illegible] خوارزم [illegible]
[illegible] سلطان [illegible] خوارزم [illegible] سلطان [illegible] ارسلان [illegible]

بیلکانکین

شهاب الدوله ابو الفتح نصر

نصر [illegible] سال پادشاهی کرد

نصر الدوله ابو سعد مسعود

مسعود دوازده سال پادشاهی کرد

غزنوی عز الدوله ابو القاسم محمود

محمود [illegible] سال پادشاهی کرد و اول سبکتکین ترک [illegible]

قتلغ خان

[illegible]

الدین
قطب الدین صلاح

قطب الدین
ابو شجاع

علاء الدوله
ابو المظفر

رکن الدوله
ابو الفضل ابو ارسلان

معز الدوله
سلطان ابو الفتح

[illegible]

حسین الحمیری

مجد الدوله
ابو النصر عبد الرشید

عبد الرشید دو سال و دو ماه پادشاهی کرد

تاج الدوله
ابو الفضل فرخزاد

فرخزاد هفت سال پادشاهی کرد

ظهیر الدوله
ابو المظفر ابراهیم

ابراهیم چهل و دو سال پادشاهی کرد

سید صالح دری بودار اصحاف سجر ولایت
وارشاد و زیاده اندیران باحوال قطب جان در [illegible]
[illegible]

پیسوکا بهادر خان

الدین
قطب الدین صلوع

جلال الدین
ابو شجاع منکو

غیاث الدولة
ابو الفتح پیرامشاه

علاء الدین
ابو الحارث محمد بن

نصر الدولة
ابو المظفر کس

جعفر

محمد

علی

حسن صباح

عز الدولة
ابو الفتح مسعود

سلطان الدولة
ابو الفتح ملک ارسلان

یمین الدولة
ابو المظفر بهرام شاه

سریع الدولة
ابو شجاع خسروشاه

تموچین بود
اسم چنگیز خان

طبقهٔ چنگیزیان اول ایشان چنگیز خان اسم او تموچین [illegible]

سید الحاج
جبرئیل بن سید امین الدین

سید امین الدین جبرئیل قدوهٔ ارباب [illegible]

بزرگ امید

محمد
علاء الدین

حسن

محمد

بزرگ امید چهار سال پادشاهی کرد

[illegible] بیست و نه سال پادشاهی کرد

حسن سی سال پادشاهی کرد

محمد چهل و شش سال پادشاهی نمود

سلجوق

طبقهٔ سلاجقه چهارده نفر اند یکصد و بیست و نه سال پادشاهی کردند کمال شوکت و عظمت داشت اقلیم سیم و چهارم
در تحت حکومت او بود در وقتی که رایات شوکت و سلطنت صاحبقران این طبقه سلطان طغرل ابو طالب در خراسان
ارتفاع گرفت سلطان مسعود را بقتل آورد و اصفهان را متصرف شد با فرامرز علاء الدوله صلح نمود او را اوطال و ولایاتی
تعیین نمود خود متوجه بغداد شد قایم بالله که در دست البسن محبوس بود از حبس برون آورده باز خلیفه نمود و از آنجا بشام
رفته کل آن ولایت را مسخر گردانید و در دوازده روز قلعهٔ شام را گرفته سیف الدوله ابرهیم را بقلاوه عدم نهاد



بولکان خان
کوک خان
سویج خان
کشلک خان
خطای خان
جوجی خان
اوکتای خان
کیوک خان
اسحق
شیخ صفی الدین
حسن
محمد
خورشاه
باچوی خان
حسن یازده سال پادشاهی کرد
محمد سی و یکسال پادشاهی کرد
خورشاه یکسال پادشاهی کرد
میکائیل
محمد
احمد
طوغرل ابوطالب



خان مولکان
خان قوتلاوی
خان ادنیکبوق
خان حوتوکه
توکلی خان
خان جونکه
خان سبوکیای
خان سبکتکین
سلطان سید صدر الدین
برهان الب ارسلان محمد
ملکشاه ابو الفتح
کبارق ابو المظفر
داود
محمد دوازده سال پادشاهی کرد ۱۲
ملکشاه بیست سال پادشاهی کرد ۲۰
برکیارق یازده سال پادشاهی کرد ۱۱

خان تیمور
خان ترغای
خان اجای
خان سودار
خان سیاوجی

خان هلاکو
خان جوریا
خان تکسی
خان بشین
خان شکرای

خان طغای تیمور

علی
سلطان سید جنید
قدس سره

[illegible]

محمود
ابو القاسم

طوغرل
ابو طالب

سیزده سال پادشاهی کرد

محمود
ابو شجاع

سنجر معز الدنیا والدین
ابو الحارث سلطان

سیزده سال پادشاهی کرد

حارث چهل و یکسال پادشاهی کرد



تکودار خان
ابقای خان
ارغون خان
منکو خان
برکای خان
کیخاتو خان
سلطان سید ابرهیم الشیخشاه قدس سره
ابو الفتح مسعود
ابو شجاع محمد
ابو شجاع سلیمان
ابو المظفر ارسلان

الپ قیا

سلیمان سلطان

ارطوغرل

سلطان جنید الشهید
قدس سره

[illegible]

طوغرل بوطالب

اتابک ایلدکز پادشاه

[illegible] ارطغرل [illegible] سلطان علاء الدین [illegible]

[illegible] قره جه حصار [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] ارطغرل [illegible] عثمان [illegible]

فتح [illegible] عثمان در ترقی بود [illegible] سلطنت [illegible]

دولت و اعیان [illegible] سلطنت شد

ارادت [illegible]

والله اعلم

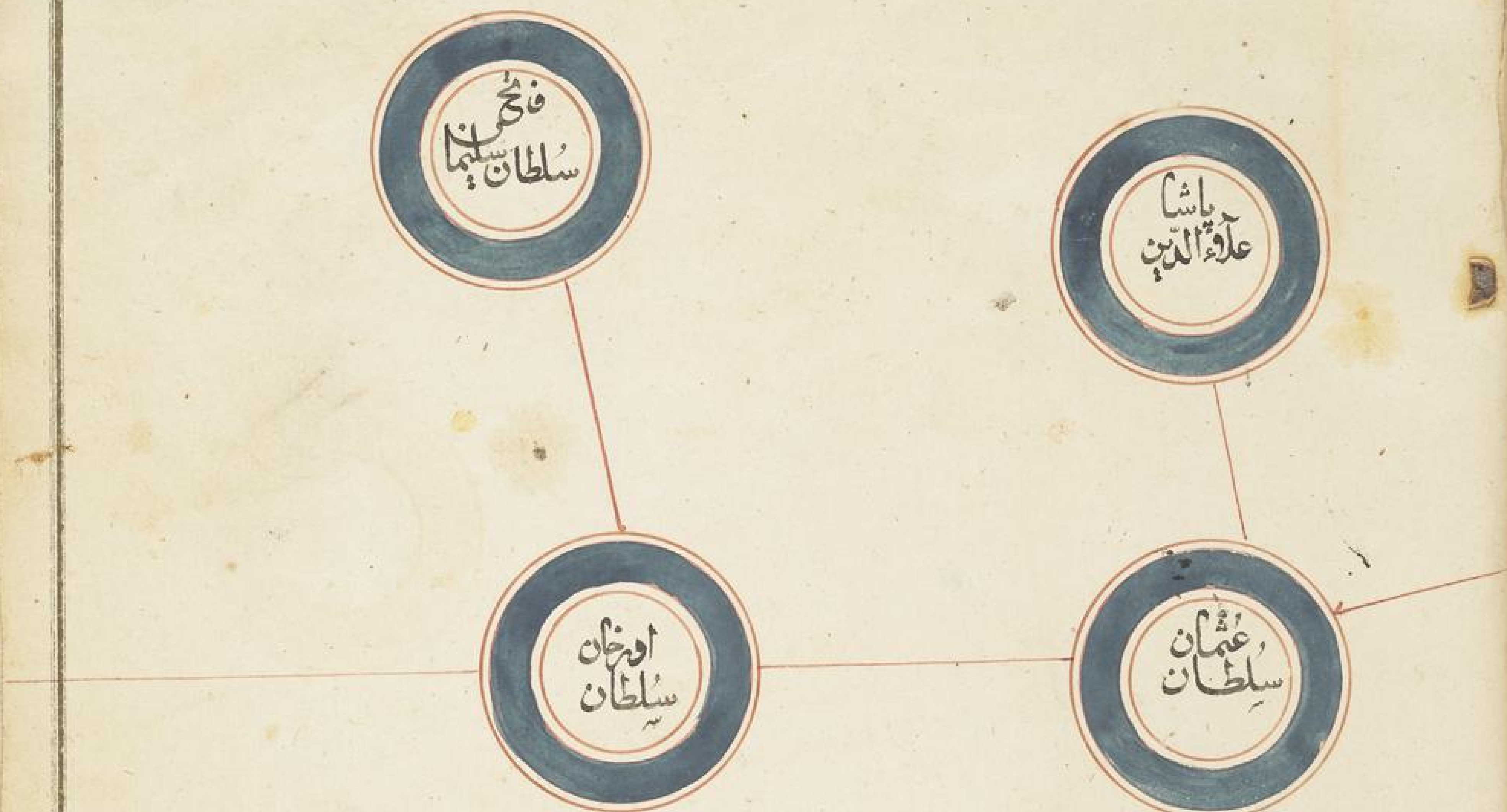
صارو یاقی

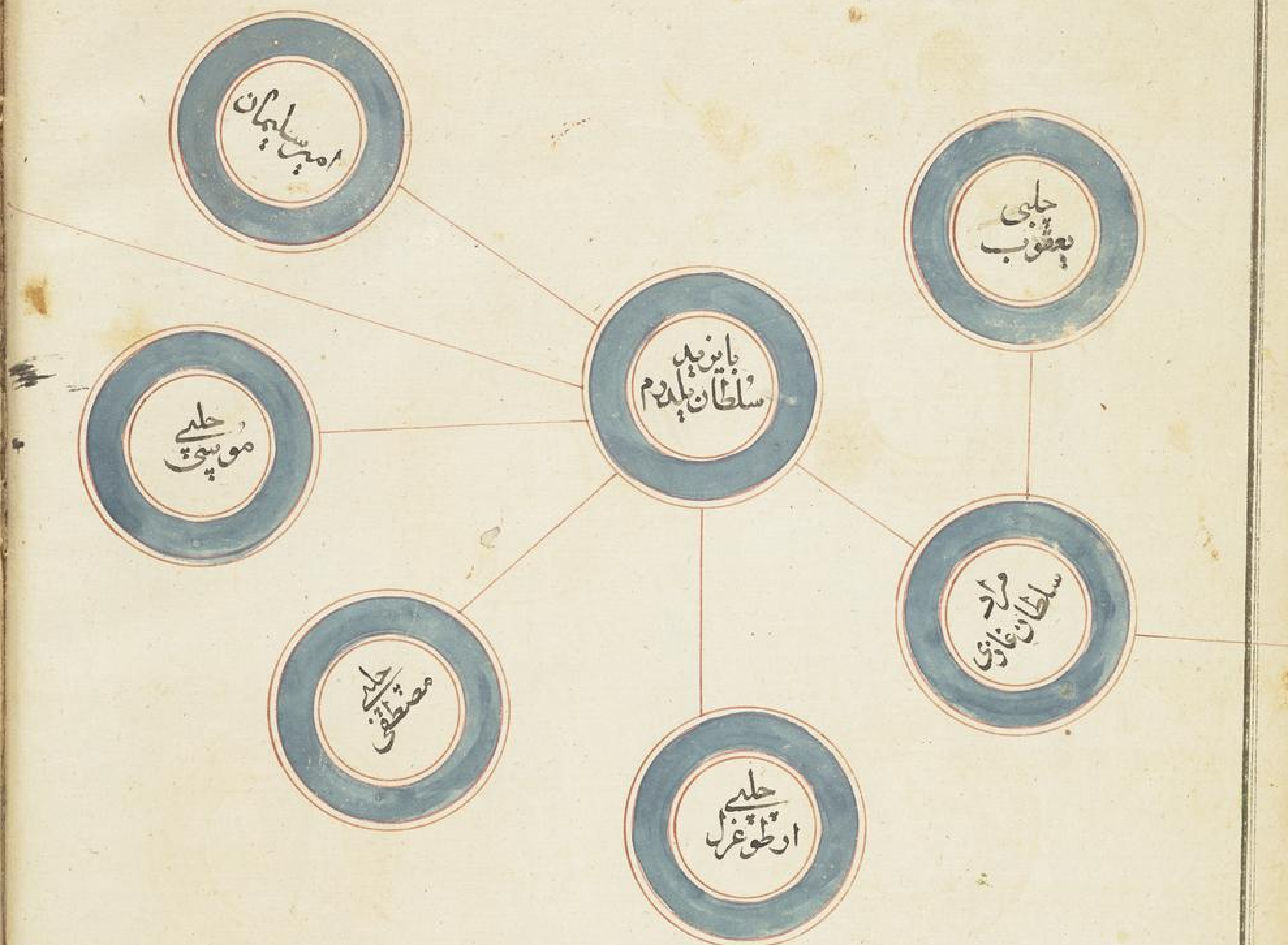
کوندز

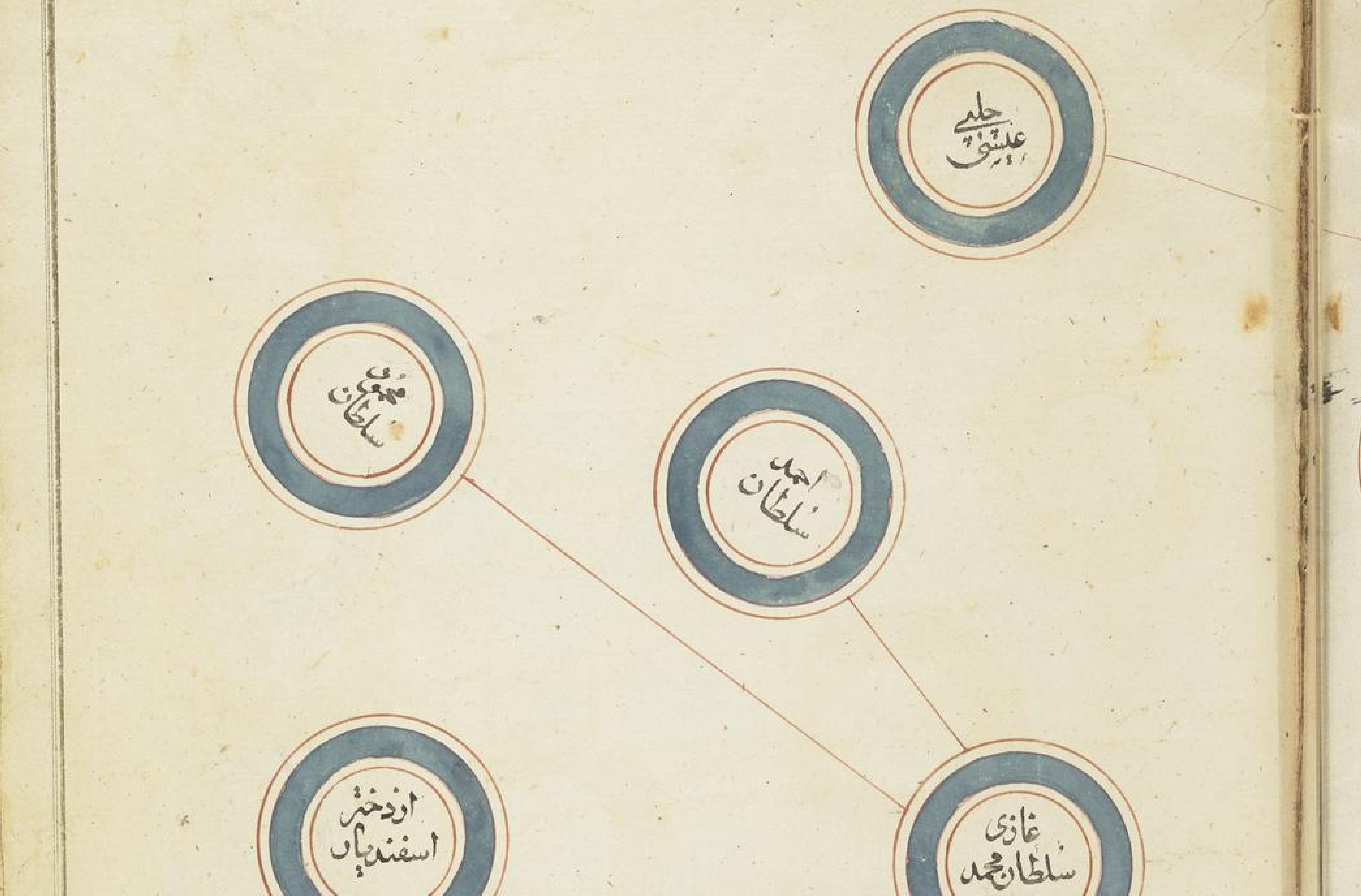
[illegible]

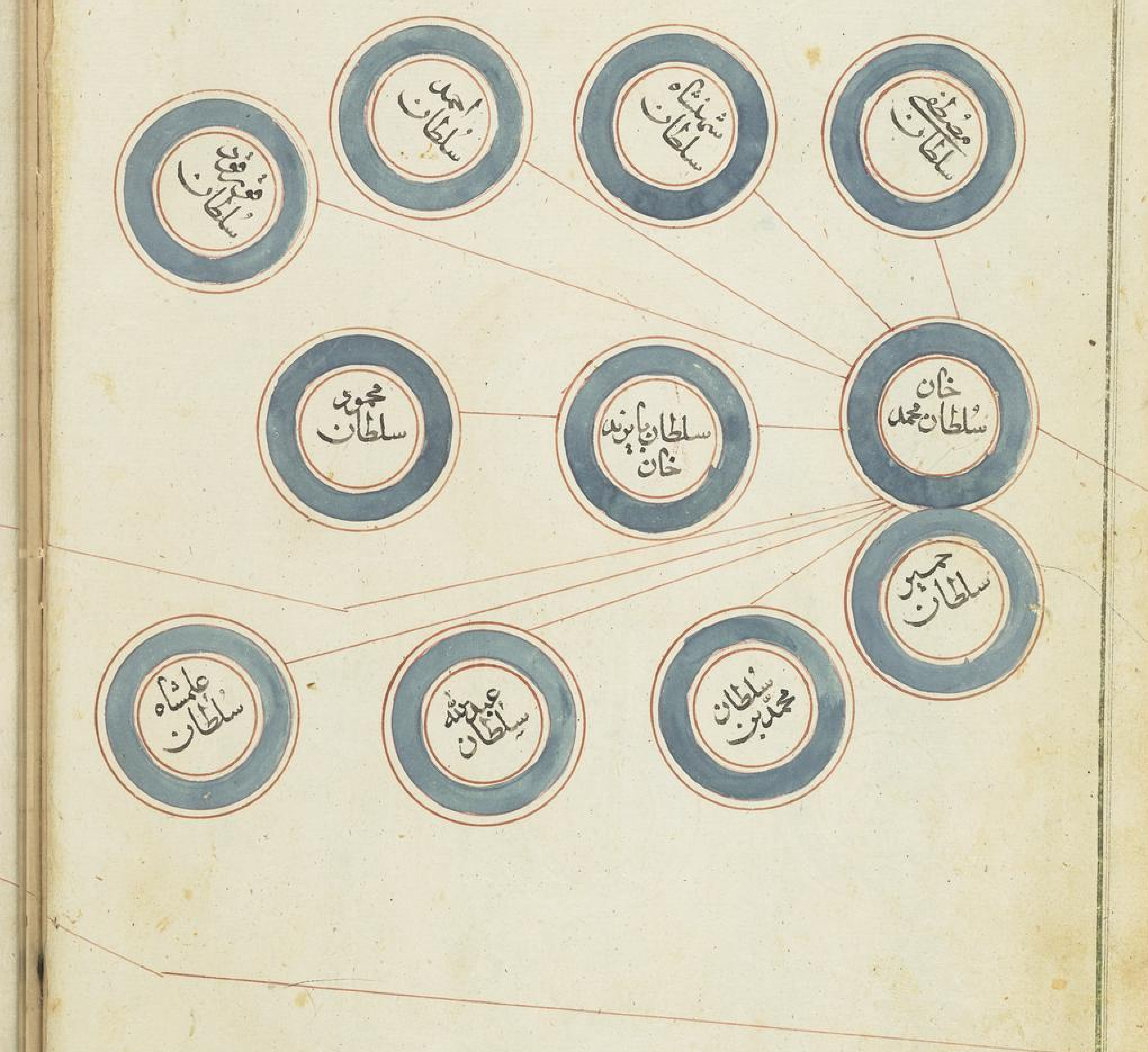
سلطان حیدر الشهید

قدس سره


فاتح
سلطان سلیمان
پاشا
علاء الدین
اورخان
سلطان
عثمان
سلطان

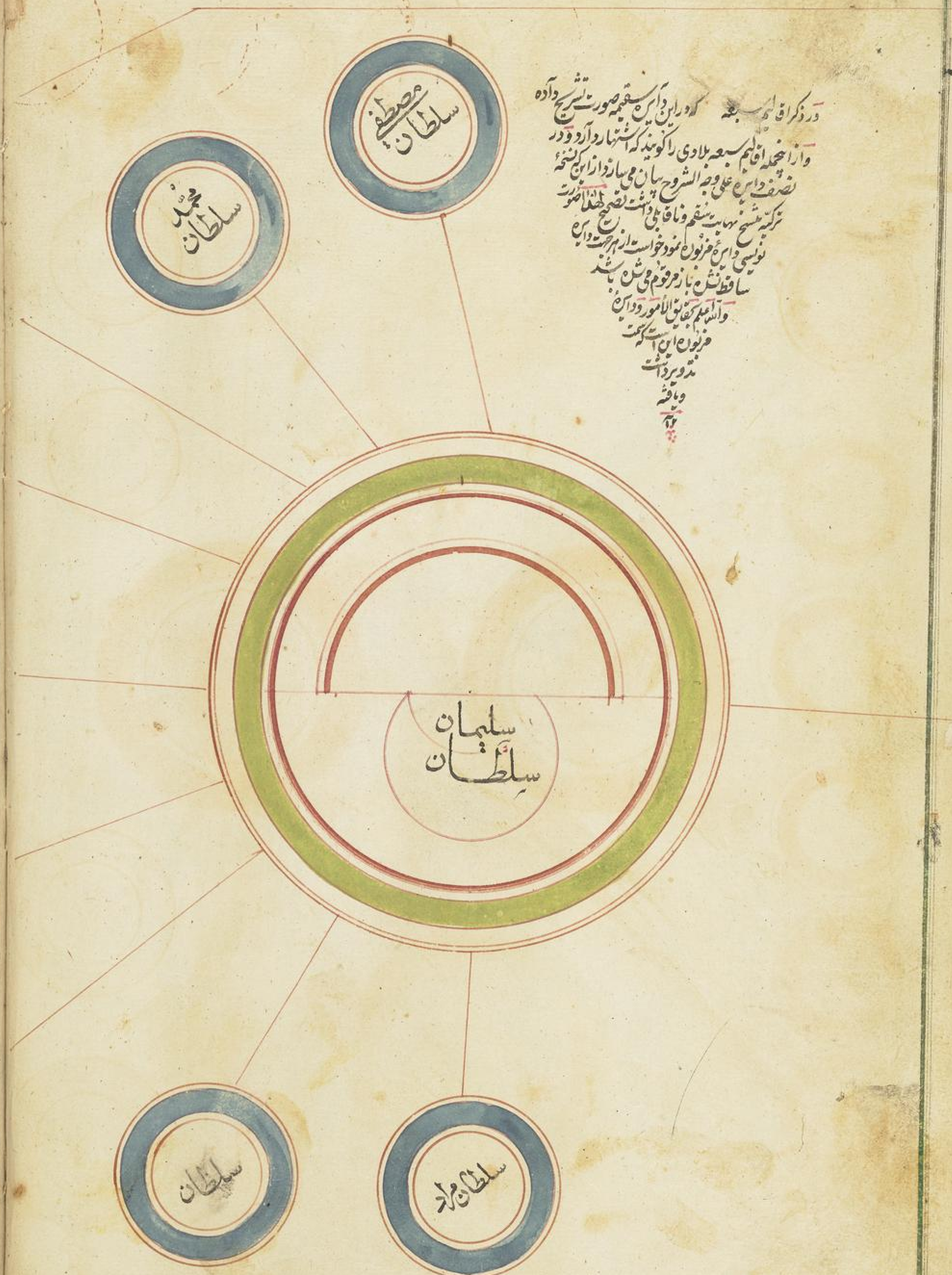

امیر سلیمان
چلبی یعقوب
بایزید سلطان یلدرم
موسی چلبی
مراد سلطان غازی
مصطفی چلبی
ارطوغرل چلبی

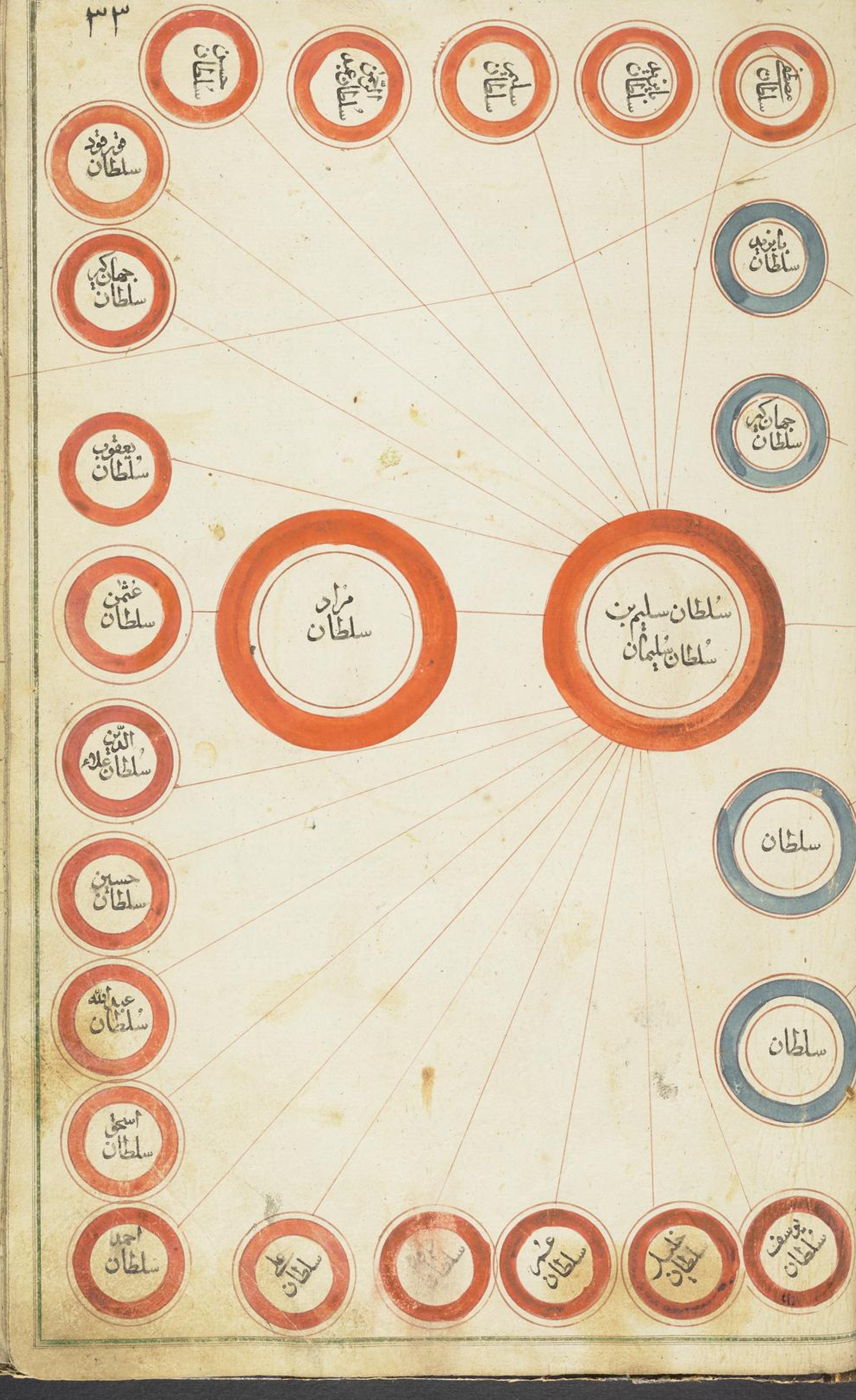

عیسی چلبی
محمود سلطان
احمد سلطان
از دختر اسفندیار
غازی سلطان محمد
غازی سلطان مراد
یوسف سلطان
سلطان مصطفی

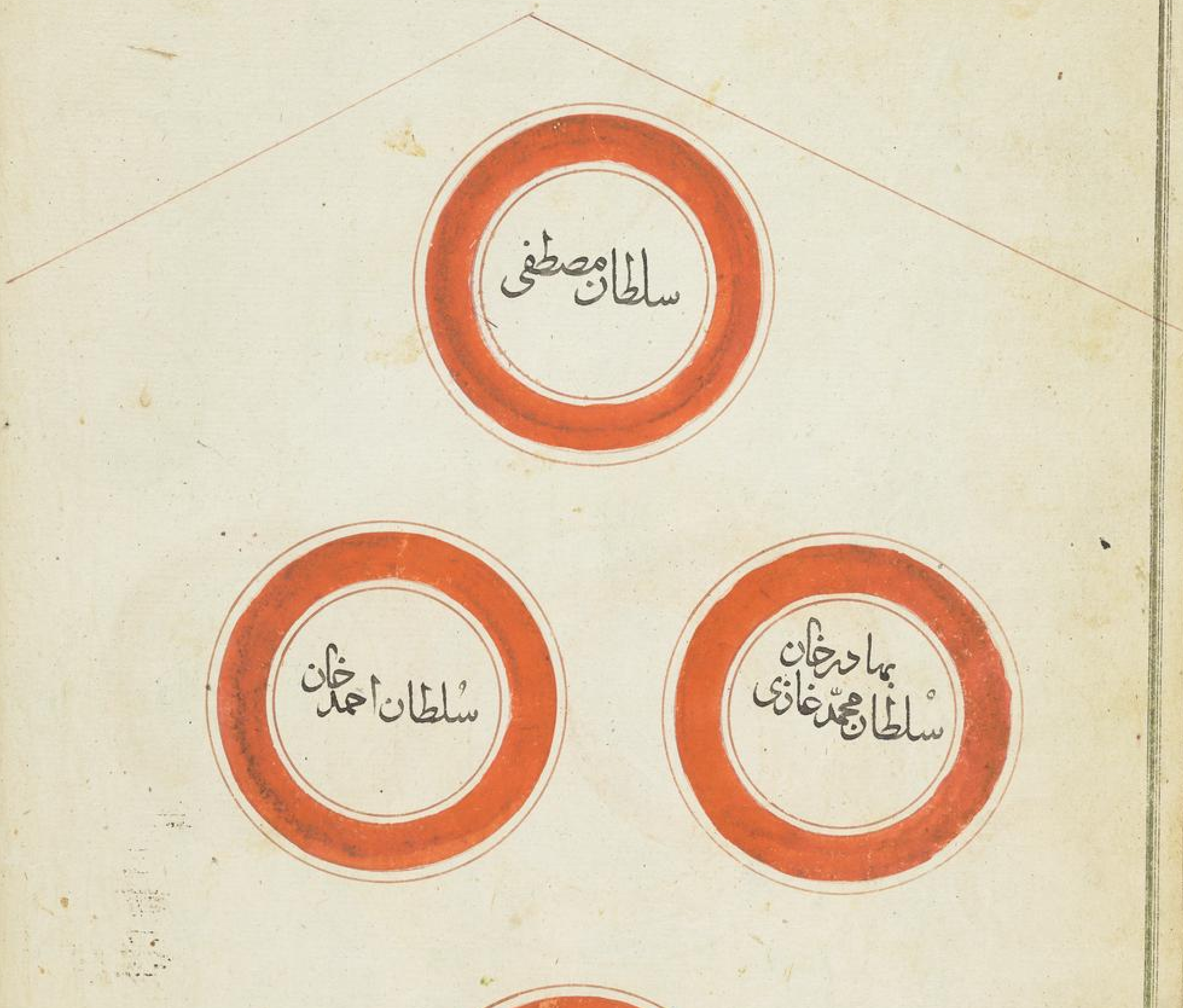

مصطفی سلطان
شهنشاه سلطان
احمد سلطان
قورقود سلطان
خان سلطان محمد
سلطان بایزید خان
محمود سلطان
سلطان
سلطان محمد بن
سلطان عبدالله
علمشاه سلطان


سليم
١
سلطان

در ذکر اقالیم سبعه که در این دایرهٔ مستقیمه صورت تشریح داده
و از آنجمله اقالیم سبعه بلادی را گویند که اشتهار دارد و در
نصف دایرهٔ علی وجه الشروح بیان می سازد و از این که نسخهٔ
ترکیه منسوخ نهایت سقیم و نا قابل داشت تصحیح لهذا صورت
نویسی دایرهٔ مزبور نمود خواست از هر جهت دایرهٔ
ساقط نشد باز مرقوم می شده باشند
والله اعلم بحقایق الامور و دایرهٔ
مزبور این است که سمت
مدور برداشت
و باقیه




مصطفی سلطان
حسن سلطان
قورقود سلطان
جهانگیر سلطان
یعقوب سلطان
عثمن سلطان
مراد سلطان
سلطان سلیم بن سلطان سلیمان
سلطان علاء الدین
حسین سلطان
عبدالله سلطان
اسحق سلطان
احمد سلطان
عمر سلطان
خلیل سلطان
یوسف سلطان
بایزید سلطان
جهانگیر سلطان
سلطان
سلطان


سلطان مصطفى
بهادر خان
سلطان محمد غازى
سلطان احمد خان
سلطان عثمان

سام میرزا

سلطان سلیمان
شان فردوس مکان ابو المظفر
ابو الفتوح شاه اسمعیل غازی
بهادرخان اسکنه الله فی اعلی
فرادیس الجنان

بهرام میرزا

القاص میرزا

[illegible]

علی میرزا [illegible]

[illegible]

هو
ابو البقا ابو المنصور پا
دشاه غفران پناه جنت بارگاه
شاه طهماسب بهادر خان
اسکنه الله تعالی فی بحبوحة
الجنان

[illegible]

اسمعیل میرزا بعد از [illegible] واقعه پادشاه [illegible]
[illegible] سلطان [illegible] سلطنت [illegible]
[illegible]

اسمعیل میرزا

سلطان محمود میرزا

سلطان علی میرزا

سلطان حیدر میرزا

سلطان سلیمان میرزا

سلطان احمد میرزا

سلطان مصطفی میرزا

امام قلی میرزا

نواب سکندر شان سلطان خدابنده اسکنه الله تعالی فی الجنان

خدیجه سلطان بیگم

پریخان بیگم

شهربانو بیگم

گوهر سلطان بیگم

زینب سلطان بیگم

مریم بیگم

فاطمه سلطان بیگم

[illegible] بیگم

مجملی است بر شرح وقایع حالات زمان دولت نواب سکندر شان سلطان محمد خدابنده [illegible]
[illegible] نواب جهانبانی حمزه میرزا [illegible] ابوطالب میرزا [illegible]
[illegible] والله اعلم بالصواب

سلطان حسن میرزا

سلطان حمزه میرزا

طهماسب میرزا

ابوطالب میرزا

غلام
با اخلاص حضرت شیر یزدان
امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
علیه صلوات الله رحمن شاه عباس
ماضی علیین آشیان

میرزا صفی

ذکر شمه احوال خجسته و اوصاف ستوده فرمان فرمای جهان قهرمان [illegible]
دوران سلطان صاحبقران غلام با اخلاص حضرت شاه مردان آن شاه [illegible]
عباس ماضی [illegible] [illegible]
پادشاهان کامکار [illegible]
روزگار روایت [illegible]

[illegible]


سلطان حسین
میرزا
اسمعیل
میرزا
خاقان رضوان
مکان ابو المظفر المنصو
شاه صفی الدین محمد بها
درخان الحسینی الصفوی
الموسوی علیه
امام قلی
میرزا

اسمعیل
میرزا

ابو الفتوح ابو البقا
السلطان بن السلطان بن السلطان
والخاقان بن الخاقان بن الخاقان
صاحبقران خلد آشیان
فردوس مکان

ابو الفتوح
السلطان بن السلطان
بن السلطان و الخاقان بن
الخاقان بن الخاقان سلطان العادل
شاه سليمان الصفوي الموسوي
بهادر خان خلد الله ملكه
و سلطانه

و افاض على العالمين بره
و عدله و احسانه


شاه طهماسب
شاه سلطان حسین
عباس میرزا

شاه
اشرف افغان

افغان
محمود شاه

افغان
ازاد خان



نشین ازل [illegible] دوازده سوم [illegible] ممالک [illegible] و سعد از او [illegible]

نهاست [illegible] و در [illegible] علیه صفویه [illegible] قلمرو [illegible] چون [illegible]

[illegible] ایران [illegible] ممالک [illegible] متعدده [illegible] آذربایجان [illegible]

[illegible] عراق و فارس [illegible] و [illegible] نقل و [illegible] خسروی و [illegible]

[illegible] الطایفه [illegible] تیغ جهانگیر [illegible] سلطنت [illegible] و [illegible]

ایران [illegible] و [illegible] قلاده سلطنت [illegible] تاج و تخت [illegible]

و قلمرو غلبه کرده [illegible] اوزبکان [illegible] خوارزم [illegible] اهالی ایران [illegible]

اوکرا بتصدیق و ثنای ما وراءالنهر و خوارزم [illegible] عطیه [illegible] عوام [illegible]

ممالک هندوستان و ماوراء [illegible] پادشاه هند [illegible] امرا و اعیان [illegible] کار [illegible]

سنت نهاد و در بخارا ابوالفیض خان [illegible] از [illegible] آن [illegible]

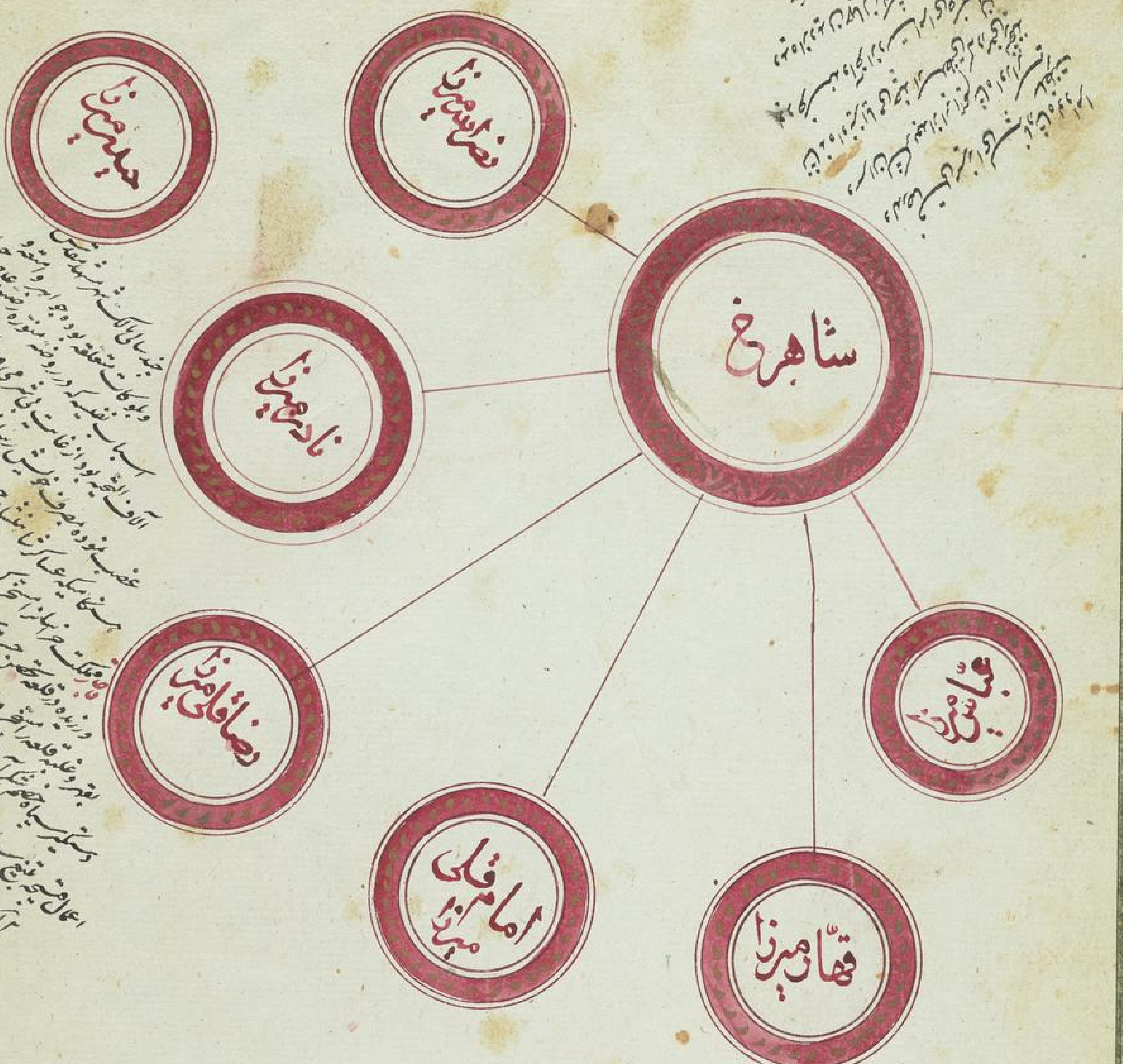
رفتار و قبح اطوار و ستمهای [illegible] و کار [illegible] استخوان [illegible]

سپاهی و رعیت کار بجان [illegible] اسپابان آن آستان بوده [illegible]

و اعیان که در حقیقت [illegible] او را بقتل [illegible]

بدو [illegible] و در [illegible] که [illegible]

[illegible]

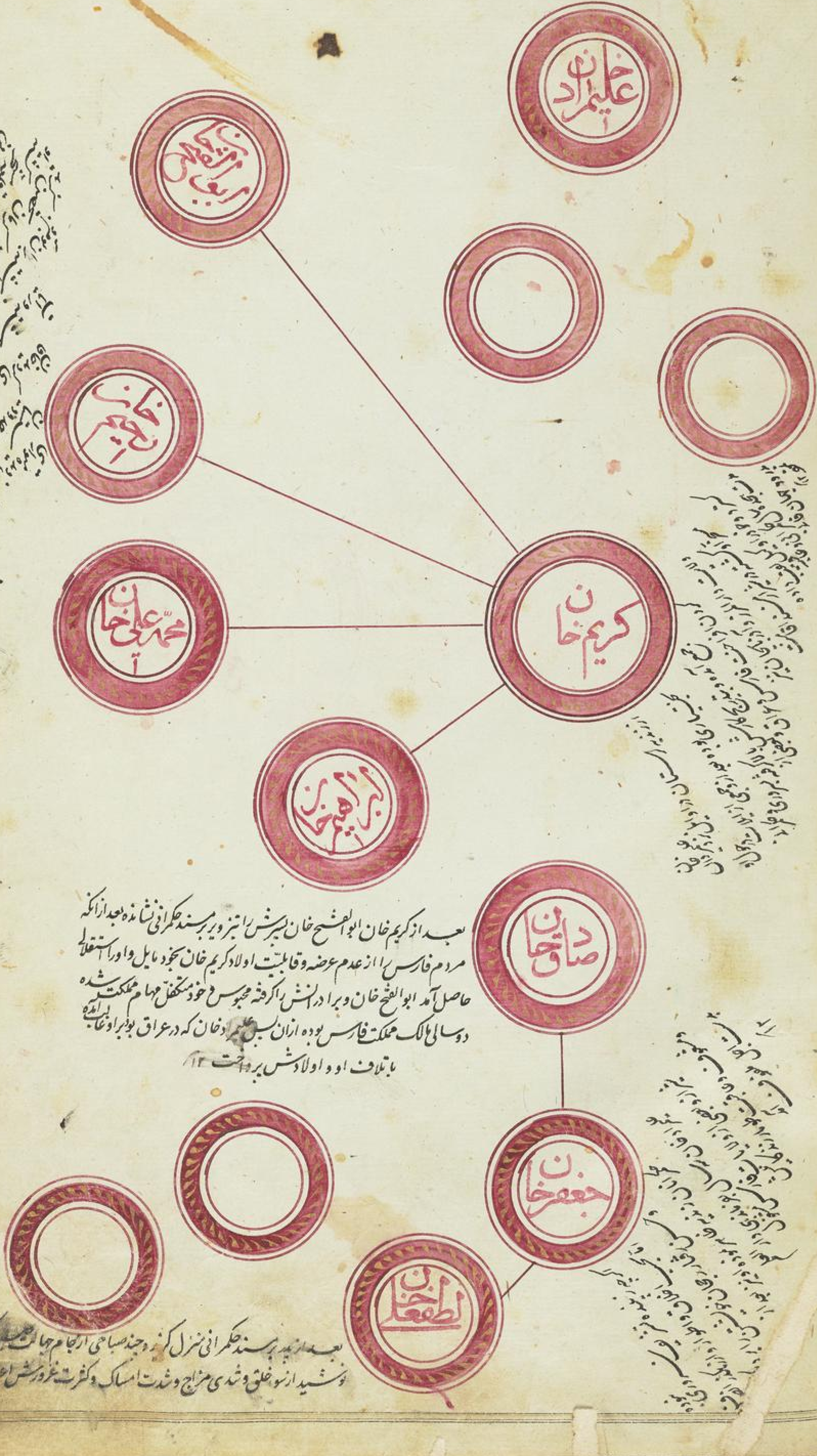


[illegible]



[illegible]

بعد از عم خود عادلشاه بر سریر سلطنت بر آمده در رسم [illegible]
افراط و اسراف پیش گرفت و در قتل اولاد و احفاد عم
خویش تجوز ده قاطع حبایل اقارب خویش گشت
چند صباحی یعنی مدت [illegible] نادانی را انداز ابراهیم
برادرش با او مخالفت نموده و بر او غالب آمده اورا
بدوزخی کرد و خویش بجهان آمد
[illegible]



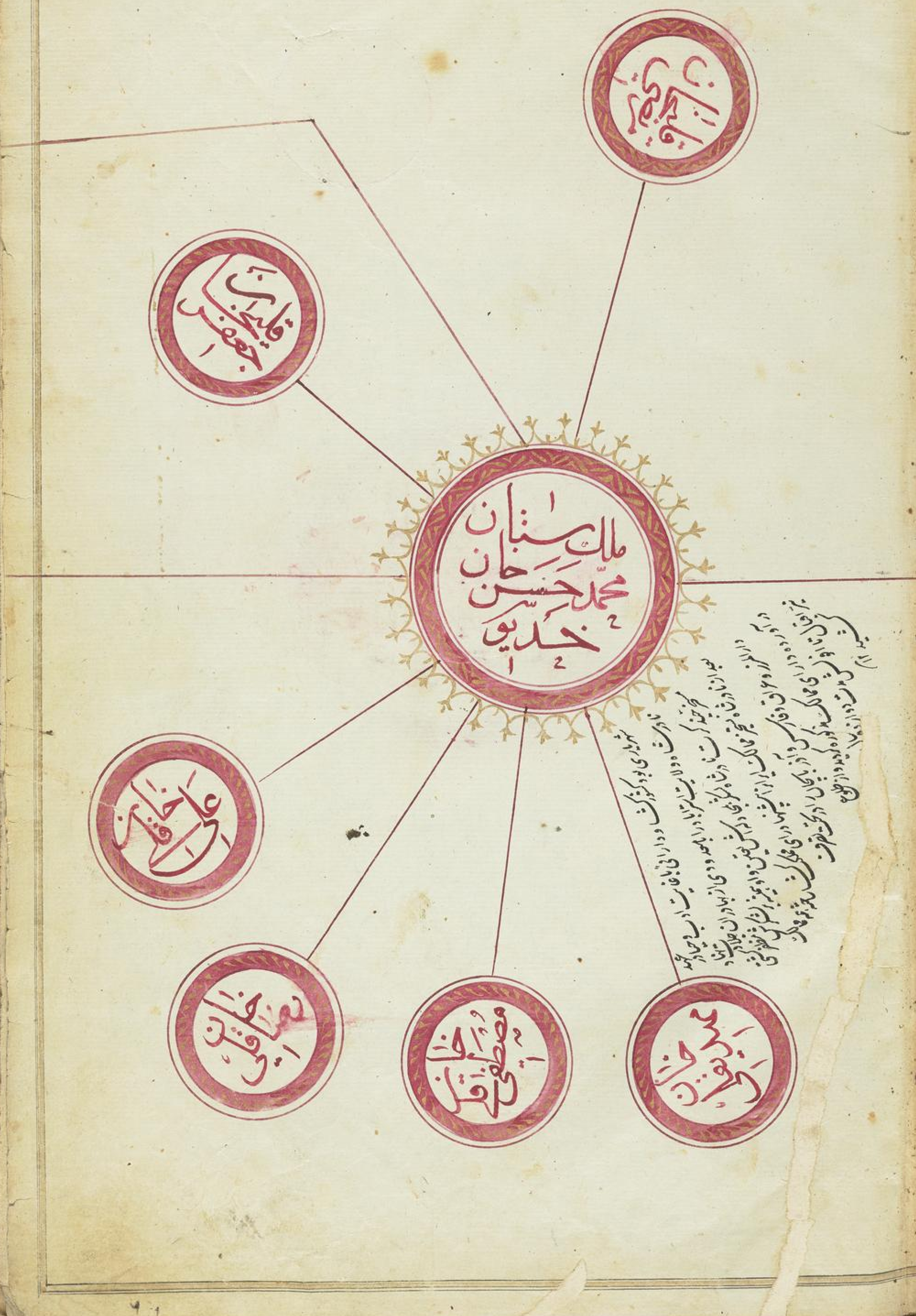
بعد از کریم خان ابو الفتح خان پسرش را بتزویر بر مسند حکمرانی نشانده بعد از آنکه
مردم فارس را از عدم عرضه و قابلیت اولاد کریم خان بخود مایل و او را استقلالی
حاصل آمد ابو الفتح خان و برادرانش را گرفته محبوس و خود متکفل مهام مملکت شده
دو سالی مالک مملکت فارس بوده ازان ... خان که در عراق بود برادر غالب آمده
با تلاف او و اولادش پرداخت ۱۲

بعد از ... بر مسند حکمرانی نزول کرده چند صباحی از جام جهانبانی ... کام
نوشید از سوء خلق و تندی مزاج و شدت امساک و کثرت غرورش اعیان

فتحعلی خان
قاجار

امیر جهاندار
فتحعلی خان
قاجار

امیری جهانگیر و جلالت پناه در اول مالک ملک جرجان
و استرآباد بوده همت بلند عنان سمند عزیمتش مملکت
ستانی گشته و به لشکر ظفر پیکر کشور گشائی کمر بسته
ولایات دار المرز و اکثری از بلاد عراق و خراسان
مسخر او گردید عاقبت بسعایت نادرشاه و باشارة
جهالت شاه طهماسب صبح زندگانیش
بشام کشید ۱۲


ملك سنان
محمد حسن خان
خديو
علي خان

جهانبان
حسینقلی خان
جهانگشای

ملک زاده پشنگ نشان و جهانگیری افراسیاب شان
از هنگام صبی تا اوان شباب همواره سخن از تیغ و تیر گفتی
و شنودی و همیشه اندیشه اش گرفتن و گشودن ملک و کشور بودی
بالشش زین بود و آرامگاهش خانهٔ زین چون بجهانگشائی کمر بست رشته

[illegible]

در اوایل بهار جوانی نوگل زندگانیش فرو ریخت از تند باد خزانی ۱۲

[illegible]

[illegible]

شاه افراسیاب قهرمان ما

آقا محمد خان

حسینقلی خان



این ورق چون آسمان و آفتابش شه ما	واندران از نور آن هر پوران ماهی تمام
وز فروغ هر مهی بس اختر گیتی فروز	منعکس چون اختران بر گنبد فیروزه فام
هم بدین آیین اندر برگ زیب این ورق	صف بصف در بارگاه آن شهنشاهان قیام
تا بگردون آفتاب و ماه و انجم را فروغ	روشنان تابنده باد اورنگ شاهی والسلام


خسرو میرزا
کیکاوس میرزا
کامران میرزا
طهمورث میرزا
اورنگ زیب میرزا
ابو الفتح میرزا
شجاع الملک میرزا
اسمعیل میرزا
کیومرث میرزا
ارغون میرزا
هولاکو میرزا
اباقاخان میرزا
منکوقاآن میرزا
ابو سعید میرزا
اوکتای قاآن میرزا
ابو القاسم میرزا
محمد رضا میرزا
محمد مهدی میرزا
امامقلی میرزا
علی نقی میرزا
رضاقلی میرزا

Persian Dynasties:

Chronological Chart of Persian Dynasties closing with the reign of Fattah Ale Shah. from Rev Dr. Bassett. late Missionary.

1886

15- (374.) PERSIAN MANUSCRIPT. Chronological Chart of Persian Dynasties, Closing with the Reign of Fath' Ali Shah. *Manuscript written in black and red on 43 leaves of paper, 13 by 8 inches. With illuminated circular decoration* IN GOLD AND COLORS *on last page, and with circular designs on the charts portrayed in various* COLORS, *some with* GOLD *ornamentation.* Small folio, old boards. (First and last leaves backed; some margins repaired.)

41.